

# هُنر و مَعْمَاری

art and architecture



## به نام خدا

چندی بود که فکر ثبت و ضبط مجموعه کامل مجله تخصصی "هنر و معماری" که در فاصله سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۵۸ خورشیدی با تلاش چندی از استاد هنرمند و معماران فرهنگ دوست تهیه و انتشار یافته بود به ذهن اینجنب رسید، تا بتوان اطلاعات ارزشمندی که پیرامون هنر و معماری سالهای گذشته ایران که در این مجموعه جمع آوری شده است در معرض دید دانشجویان، اساتید، محققین و سازمان‌های مرتبط با هنر، معماری و شهرسازی کشور قرار گیرد. در ابتدا با مهندس عبدالحمید اشراق گفتگو و اجازه ایشان به عنوان سردبیر مجله گرفته شد. نهایتاً و در ادامه پس از چندین ماه تلاش، مجموعه کامل ۴۸ شماره‌ای مجله "هنر و معماری"، در بهار سال ۱۳۹۱ تصویر برداری و مستندسازی گردید. امید است تابعه مندان از این مجموعه تخصصی و ارزشمند حد اکثر بهره برداری را بنمایند.

در انجام این پروژه افرادی به شرح ذیل دخیل بودند که بدون یاری و مساعدت آنان این فعالیت فرهنگی و تحقیقاتی میسر نمی‌گشت.

پرسنل و ریاست محترم کتابخانه‌ی "مرکز اسناد تخصصی فنی و مهندسی" (وابسته به سازمان مشاور فنی و مهندسی شهر تهران) که مسئولیت تصویر برداری از مجلات را به عهده داشتند.

• آقای دکتر کمالی، مهندسین مشاور دایره و مهندسین و افرادی که مجموعه آرشیو شخصی مجلات خود را در اختیار اینجنب قرار دادند.

• آقای مهندس نور علیوند که مساعدت و پیگیری ایشان در انجام این مهم بسیار سودمند بود.

• تارنمای پژوهشی "معمارنات" که زحمت انتشار این مجلات را بر عهده گرفته است.

و نهایتاً حمایت‌های فکری و معنوی آقای مهندس عبدالحمید اشراق که در تهیه و ثبت این اسناد، بسیار ارزشمند بوده است.

"پروژه تاریخ شفاهی معماری معاصر ایران"  
آرش طبیب زاده نوری  
۱۳۹۱

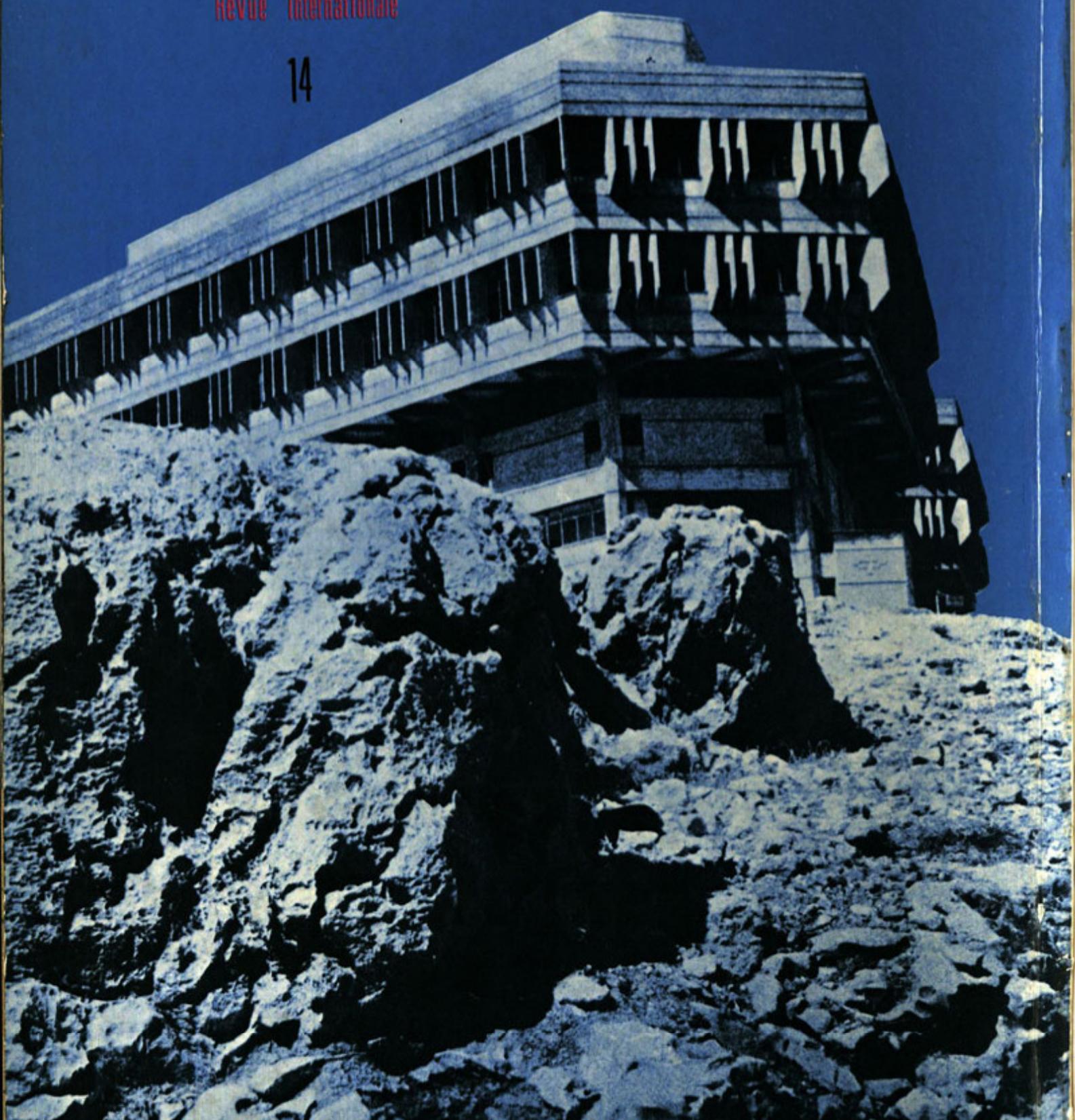
E-mail: archoralhistory@gmail.com

هُنْرُ وَ مَعْمَلَاتٍ

art and architecture  
art et architecture

Revue Internationale

14



# ایزوگام

چون میدانیم در انتخاب مصالح ساختمانی بیش از هر چیز به مشخصات فنی توجه میکنیم ، ایزوگام را بعنوان کاملترین عایق رطوبتی معرفی مینماییم. عاًمدهایم تا اطلاعات بیشتری را همراه با نمونه و کاتالوگهای فنی برایتان بفرستیم . مشخصات زیر با استانداردهای بین المللی A.I.B و DIN و A.S.T.M مطابقت دارد

گفتاری از زبان  
آرشیتکتها ..... همکاران شما

ایزوگام با درجه حرارت روندگی ۱۴۰ درجه سانتیگراد

ایزوگام مقاوم تا ۳۰ درجه زیر صفر  
ایزوگام بجهت داشتن لایه‌ای که از الیاف نازک شیشه ساخته شده هرگز نهی پوسد و عمری برابر عمر ساختمان دارد .

ایزوگام دارای خاصیت الاستیسیته است و حرکتهای بنارا براحتی و بدون پاره شدن تحمل میکند.

ایزوگام علاوه بر دلک مشکی دو دلگاهی برتری و قوی  
آجری نیز تولید می شود

شرکت سهامی پشم شیشه ایران (خاص)

تهران - خیابان شاهرخا - سیمای جنوبی - فکاره ۱۳

تلفن : دفتر مرکزی ۴۴۲۱۷ - ۴۸۵۲۱ - ۶۶۷۵۳۷

کارخانه ۹ - ۱۵۵۷۳۵



بهمتر از  پیدا نمیشند



سایه روشن

نمایندۀ انحصاری عالیترین محصولات  
تزئینی ساختمان در ایران

سایه روشن

خیابان کورش کبیر ساختمان تلفن: ۸۴۰۰۰۶

سایه روشن



# فورمیکا نمایشگاه



موارد مصرف فورمیکا : میزهای اطلاعات ،  
سالنهای کنفرانس ، هتلها ،

حمام ، آشپزخانه ، دفاتر کار ، کابین ها ، دکوراسیون ،  
مصطفار صنعتی ، مبل سازی  
و موارد بسیار دیگر میباشد .

مرکزبخش و فروش : تهران - خیابان بودجه مهری غربی ،  
ساختمان ۱۲ طبقه چهارم شرکت سهامی خاص  
تخته فشاری و فورمیکا سازی توکلی  
تلفن ۵۳۵۴۹۶ - ۲۳۸۳۲ - ۲۱۴۲۵  
نشانی کارخانه : تبریز - تلفن : ۰۴۱۶۱ - ۰۴۹۵۴

کارخانه فورمیکا استخوانی توکلی اولین و تنها کارخانه  
فورمیکا سازی در ایران میباشد که محصولات آن  
تحت لیسانس سولند و مطابق استاندارد NEMA آمریکا تهیه  
شده و با ۲۰ سال تضمین بازار عرضه میگردد .

استاندارد ۱۲۲۵ × ۲۴۴ سانتیمتر و ضخامت یک میلیمتر میباشد  
و در دونوع مات و شفاف در رنگها و طرحهای مختلف  
ساخته میشود .

کارخانجات توکلی طی نیم قرن خدمت  
بعنوان یک واحد مطمئن صنعتی شناخته شده است .

# art et architecture

هنر و معماری

شماره ۱۴

سال چهارم

صاحب امتیاز و مدیر مسئول  
عبدالحمید اشراق

هیأت تحریریه:  
دکتر مصطفی امانی  
مهندس محمد کریم پیرنیا  
پرویز تناولی  
مهندس نادر خلیلی  
دکتر بشیرن و قربانی  
مهندس منوچهر سیاهی پور  
دکتر رضا کسانی  
دکتر زاره گرگیوریان  
مهندس محمد رضا مقندر  
دکتر منوچهر مرتبی  
دکتر کاظم دلیعی  
دکتر پرویز درجاوند

## هنر و معماری

ناشر افکار مهندسان و هنرمندان

همکاران :

علی اکبر خرماده	لیلی ماری لازاریان
» بخش فرانسه و روابط	» بین المللی
نادر و مویرا خلیلی	فریدون جنبیدی
» بخش انگلیسی	س. عشرتی
» ترجمه فرانسه به فارسی	لیلی نبوی تفریشی
» ترجمه انگلیسی به فارسی	علی گنجعلو
» تنظیم صفحات	شرکت دودج
» بخش آگهی‌ها	

Typeset by Shamoun Technical Typing Services, Tehran · Tel: 662396

عکس پشت جلد: ساختمان کتابخانه مرکزی دانشگاه پهلوی شیراز

طرح از: مدام - مهندسین مشاور  
(چاپ مقاله و عکس‌های مربوط باین ساختمان در  
شماره‌های بعد مجله بنظر خوانندگان خواهد رسید)

تیر - شهریور ۱۳۵۱

تکشماره ۱۵۰ ریال دانشجویان ۱۰۰ ریال  
آبونمان :

داخل‌شور سالیانه ۶۰۰ ریال  
دانشجویان ۴۰۰ ریال  
خارج از کشور ۱۱ دلار

مجله هنر و معماری بطور مفصلی ، در هر سال  
۴ شماره بزمیانهای فارسی ، فرانسه و انگلیسی  
 منتشر می‌شود

مقالات عقاید شخصی نویسنده‌گان است  
اقتباس از مقالات و عکسها بدون اجازه کتبی ممنوع است

شانی اداره مجله: شاهرضا، رو بروی دانشگاه تهران، شماره ۲۵۶  
اشکوب سوم ، آپارتمان شماره ۶ - تلفن ۰۱۴۹۱۷

شانی بخش آگهی‌های مجله شرکت دودج:  
بهار شمالی نیش مزین‌الدوله ساختمان کاریابی شماره ۱۳۵۰۳۲۳ ، ۰۷۵۲۸۸۸ ، ۰۷۵۵۷۲۲۴  
تلفن: ۰۷۶۰۱۳۲

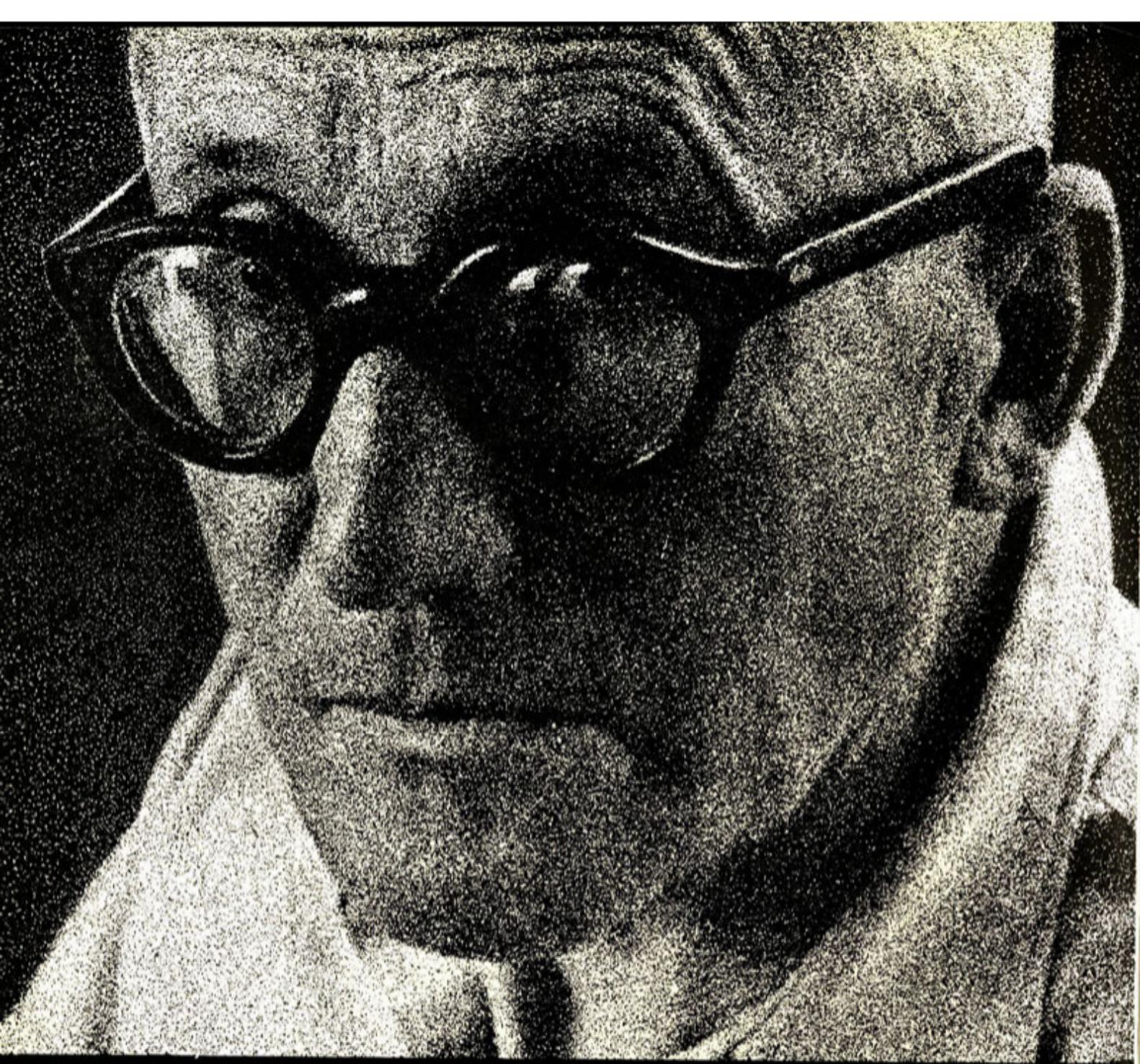
چاپ و صحافی شرکت سهامی افت (چاپخانه بیست و پنجم شهریور)

## فهرست مطالب :

### شماره صفحه

### موضوع

۳	تابلوهای کلکسیون نقاشی
۹	علی‌احضرت شهبانوی ایران
۹۱	لوکور بوزیله
۹۹	هفت مقاله دربار معماری
۹۹	کارهای عربشاهی
۹۵	گنبد قابوس
۱۱۲	خبر
۱۱۳	بخش انگلیسی
۱۱۴	بخش فرانسه
۱۱۵	بخش آگهی‌ها



لوكوربوزيه  
Le Corbusier

مهندس محمد رضا مقتدر درباره لوکوربوزیه چنین نوشته است:

در مورد فضا گفت:

فضا جوابی است به تنفس انسان، به ریه‌ها، پسریان قلب و به دیدها از هر طرف.

در مورد زمین گفت:

زمین به انسان تعلق دارد ماشین‌ها را باید در سطوح دیگری حرکت داد.

در مورد شهر گفت:

شهر برای آدم‌ها درست شده است نه بر عکس.

و بالاخره در مورد انسان گفت:

انسان از شناس بد تها حیوانی است که نسبتواند آشیانه خود را بنهانی بسازد.

«لوکوربوزیه» متفکر، فیلسوف - جامعه شناس - شهرساز - طراح - نقاش - مجسمه‌ساز - نویسنده و بالاخره معمار از سال ۱۹۱۰ که ۲۳ سال داشت تا ۱۹۶۵ که چشم بست به دنیای ما فرهنگی تازه عرضه کرد، تأثیر افکار پیشروی او از برزیل تا آین به چشم می‌خورد او رفاه آدم‌ها را زیرآسمان - زیرآتاب - کنار درختها با مصالحی پر از غرور، سپان پاک و آهن ساخت درهم می‌آمیخت «لوکوربوزیه» درستجوی هم‌آهنگی و وحدائیت بود.

او عقیده داشت که قرن بیستم برای انسان‌ها بنایی نساخت برای پول سازندگی کرد. «لوکوربوزیه» معمار واقعه دوره ماست. معماری برای لوکوربوزیه نقطه حرکتی بود در یک فرهنگ وسیع. او اندازه طلائی را سنجید، اندازه‌هایی را که کنار هم بگروه آورد بدی را مشکل و خوبی را آسان کرد، بیشتر طرح‌های خود را براساس برداشتش از اندازه طلائی ترسیم واجرا کرد. او به معماری این دوره با غصه مبنگر بست، ساکت نمی‌شد، مردی مبارز بود.

مانند معماران قرون گذشته در کارگاه و در کنار آثارش میزبانست تا بناشته شود. ایشتن، پیکاسو، سایر دوستانی که برای او و تعصیش احترام قائل بودند به کارگاه ساختمانهایش می‌رفتند تا سطوح پتن مقسیش را از نزدیک تماشا کنند.

«لوکوربوزیه» حجم‌های بناهایش را با مقیاس انسانی ترکیب می‌کرد. در طرح‌های او آدم‌هایی که حرکت می‌کنند، خطوط زمین‌ها، یا خطوط معماری را احاطه کرده است.

در حالیکه به عوامل طبیعت در معماری معتقد بود. مدام به انسان مینگر بست برای انسان طرح میریخت و برای انسان بنا می‌کرد.

خوشحالیم که در این شماره مجله هنر و معماری یادی از «لوکوربوزیه» افکار و آثارش می‌کنیم، اگر چه شخصیت خلاقه این هنرمند بزرگ معاصر برای همه خوانندگان گرامی کمابیش روشن است و اغلب با کارهای او به صورت پراکنده آشنائی دارند ولی لزوم گردآوری و بررسی جامعی از آثار یکی از بر جسته‌ترین معماران عصر حاضر غیر قابل تردید است.

## لوکوربوزیه:

ترجمه از فرانسه: س - عشر تی

نظر مهندس هوشنگ سیحون  
درباره لوکوربوزیه

● بنظر من در تمام دوره‌های تاریخ معماری هیچکس نتوانسته با اندازه لوکوربوزیه روی محیط زمان خودش اثر و نفوذ بگذارد.

● آنچه در دنیا توسط معماران بزرگ انجام می‌شود سرچشم آن از لوکوربوزیه است.

● لوکوربوزیه کارهایش ملهم از یک نوع معماری شرقی و بخصوص روسی است.

● خیلی از منابع فرمهای لوکوربوزیه را در ایران می‌بینیم.

● استنباط من از معماری لوکوربوزیه معماری انسانی است. وی سعی کرده در قرن حاضر احساس معنوی بیشتری را در اثرات خود بر جای بگذارد، در صورتی که اکثر معماریها را می‌ینمیم که تحت نفوذ مادیات بوده و فاقد کاراکتر مخصوص بخود می‌باشند.

این پنج اصل لوکوربوزیه صدھا مورد وصدا نحوه توجیه در حین اجراء درمعماری بوجود میآورد و تمام این موارد در دوران شکوفایی معماری مدرن ایجاد آثار بزرگی را از قبیل ویلاساوا - و یا Unite. d. habitation وغیره امکان پذیر ساختند.

مهندسی و مجسمه سازی عقیده لوکوربوزیه اساس معماری است. تشریح حجم های ساختمانی بوسیله یک اسکلت مقاوم ساختمانی انتخاب حجم های ابتدائی، گوش های قائم، سطوح قطع شده تو سط پنجره های طویل و بی انها، ابعاد واشل های پلاستیکی. لوکوربوزیه عقیده دارد که هیچ معماری بدون کاربرد اصول فوق سروسامان نمیگیرد شاهکار لوکوربوزیه در همین است: «موفق ترین ساختمانها آنست که بهترین وجهی اصول پیشنهادی مرا بکار بسته باشد...».

تمام شاهکارهای لوکوربوزیه و تمام آثار معماری ويانقاشی و یا مجسمه سازیش در قالب یکمشت احجام هندسی خلاصه میشود. مکعب و مکعب مستطیل برای لوکوربوزیه اصالات فوق العاده ایدارا دارا است - اگر به یک یک آثارش بنگریم همه را در یک قالب های هندسی محاط میبینیم - ولی مسئله ای که در هنر او فوق العاده شایان توجه است آنست که بنهای او ضمن اینکه در این قالب مکعبی شکل محاط شده اند ولی از همه جهات آزادند - سور و طبیعت در لابلای ساختمان سفود میکند و شاهکار شاعرانه ای بوجود میآید. خود او مسئله فوق را چنین توجیه میکند:

«L' architecture est le jeu savant, correct et magnifique des volumes assemblés sous la lumière... les cubes, les cônes, les sphères, les cylindres ou les pyramides sont les grandes formes primaires que lumière, re relate bien... C'est pour cela que ce sont de belles formes, les plus belles formes...»

... در طول مدت فعالیتش در زندگی هنری از سن ۳۰ سالگی لوکوربوزیه هرگز از نوشتن کتب و مقالات جهت دفاع از هنر شویا ایجاد بحث و گفتگوی هنری غافل نشد. گاهی اوقات تئوری های جدیدی را پیشنهاد میکرد و گاهی دیگر گرایشها و تجربیات خود را در معرض قضاوت عامه میگذاشت. فتوهای او و استیل های مبتکرانه ولی صریح و قاطع شده از نکات پرمتعنا و اعجاب انگیز و همراه با منطق و برهان بود در تاریخ فرم ها نظری تلاش بزرگان و تئوریسین های رنسانس جامعه هنری را متأثر کرد و برای کسانیکه علاقه به شناسائی عمیق لوکوربوزیه داشته باشد باید همان اندازه که در معماری او تفحص میکنند جستجوهای او را در نقاشی و زاندانی کنند و نیز هر چقدر نقاشی اورا میجویند لازمت در نوشه های فراوان و پر مفہم و یا در تصوریهای متعددش در مورد هنر معماری غور و تأمل نمایند:

لوکوربوزیه نقاش، لوکوربوزیه معمار، لوکوربوزیه شهرساز، لوکوربوزیه مجسمه ساز و لوکوربوزیه نویسنده، نویسنده ای که لوکوربوزیه از عنوان جوانی دنبال کرد. هرچه می اندیشید بر شئ تحریر در می آورد و نوشه هایش را همراه باطرحها و دسنها بسادگی و مورد درک عامه ارائه میکرد.

در مورد معماری لوکوربوزیه ۵ اصل را عنوان کرد - او باین ۵ اصل اعتقاد کامل داشت و در تمام کارهای شهرسازی و معماری او نلاشها و مطالعاتش را بر اساس همین ۵ اصل میبینیم:

۱- پیلوتی، ۲- بام مسطح و با غجه روی آن، ۳- نقشه آزاد - پنجره طویل از پهنانه درازا، ۴- نمای آزاد. عقیده لوکوربوزیه اینها هستند ۵ اصل معماری جدید. او درباره اصول فوق میگوید: بدین ترتیب زیرزمینهای تاریک و مرطب ازین میروند، خانه روی ستونها درهوا معلق میماند و امكان میدهد که با غ و سبزه از داخل آن عبور کند تا وقفه ای در طبیعت پدید نیاید. با غ و سبزه روی بام خانه نیز ادامه میابد، شیر و آنیهای سرد جای خود را به تراس های پر گل میدهند - بعلت وجود بتن مسلح دیگر دیوارهای پاربر وجود ندارند و در نتیجه نقشه بنا پکلی از هر گونه محدودیت و قید و شرط آزاد میگردد زیرا با وجود یک استر و کنور مستقل دیگر به وجود دیوار های ضخیم حاجت نیست نقشه بنا در طبقات بالا دیگر اسیر و بردۀ فرم و فونکسیون پائین نخواهد بود - آزادی مطلق در طرح فضایی و استقلال در نقشه طبقات و در نتیجه صرفه جویی از همه حیث.

در طول تاریخ پنجره روزنایی بود در یک دیوار قلعه و پاربر و در نتیجه ابعاد آن نمیتوانست از یک حدی بیشتر توسعه یابد ولی با پیدایش بتن مسلح دیوار فقط بتصویر یک سطح کار میکند و عاری از حجم است و پنجره ها میتوانند از سطح نما عقب تر قرار گیرند یعنی سقف از قاب ساختمان بیرون میزند و جلوتر میروند و به سیستم پوششی معنی و مفهوم جدیدی میبخشد - ناماها اعضاء و اجزاء ساده ای هستند که میتوان آنها در هر کجا و به فرمی که دلخواه است بوسیله پنجره ها قطع کرد.

۱۴ ماه لوکوربوزیه در دفتر Perret پره کار کرد خود او میگوید: «در این مدت مثل یک الاغ کار کردم» صراحت و شجاعت را از پره که او نیز مهندس بدون دیپلم و مدرک و معماری خود ساخته بود آموخت - بد نیست اشاره کنیم که این دو سازنده بزرگ قرن Ecole des Beaux Arts

قبل از جنگ جهانی ۱۹۱۴ لوکوربوزیه چند ماه در آلمان در دفتر Behrenes Werkbund کار کرد و بدین ترتیب با ورک بوند درتماس نزدیک قرار گرفت. جنگ فعالیت هنری وی را موقتاً قطع کرد در این ۴ سال به تدریس در مدرسه هنری لاشودوفون پرداخت و پروژه های را طرح کرد که در آنها هسته اصلی تئوریهای او را در معماری میتوان یافت. در این پروژه ها تمایل معمار به پیش ساختگی و نیز صنعتی کردن معماری مسکن بخوبی روش است.

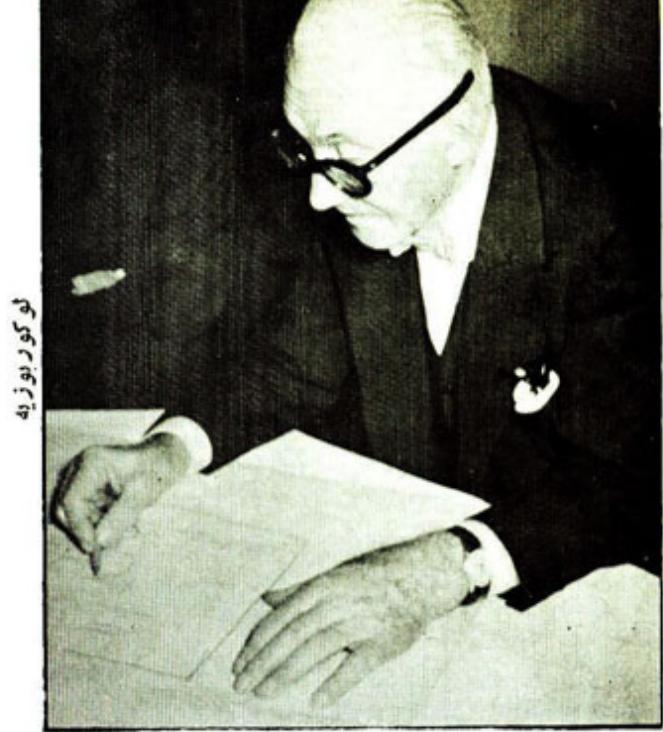
مانند خانه Domino که بسایه ای ۱۹۱۵ تا ۱۹۱۶ طرح شد.

پلافالسله پس از جنگ جهانی اول لوکوربوزیه به پاریس بازگشت. در سال ۱۹۲۰ با مشارکت شال درمه Charles Amédée Ozenfant Dermée و نقاش بزرگ آمده اوزنفان L'Esprit Nouveau تأسیس کرد هنری و انتقادی و پیشناز را بنام هنری و انتقادی و پیشناز را بنام L'Esprit Nouveau تأسیس کرد این مجله تنها یک مجله معماری نبود بلکه از تمام هنرها و حتی علوم فلسفه و بیولوژی و علم الاجتماع در آن بحث میشد. در روی جلد این مجله فهرست بدین ترتیب نوشته شده بود: ادبیات - معماری - نقاشی پیکر تراشی - موسيك - علوم - زیبا شناسی تجربی - زیبا شناسی فنی شهر سازی - فلسفه اجتماعی و اقتصادی - علم الأخلاق و علوم سیاسی - زندگی مدرن - تآثر - نظریات - ورزش و اخبار و وقایع.

۲ سال بعد از تأسیس مجله L'Esprit Nouveau لوکوربوزیه با پسرعمویش پیرز انر Jeanneret Fierre در خیابان سور Sevres نمره ۳۵ پاریس دفتر خودش را باز کرد - پیرز انر همیشه نامش بعد از لوکوربوزیه و در سایه او برده میشد ولی معماری بود آزاد - آرام و با پشتکار زیاد و لوکوربوزیه اجراء اکثر کارهایش را مدیون اوست.

لوکوربوزیه در دفتر شخصیتی داشت نا آرام، کم حوصله، تلخ و... ولی در نگاهش همیشه گرانبهاترین کیفیت ها یعنی: جوانی، خوانده میشد شبهای تا صبح روی یک پروژه در دفترش بی خوابی میکشید با شاگردانش دورهم گرد می آمدند باهم دوستانه و بدون هیچگونه تکبر بطور مساوی همه اظهار عقیده میکردند و این بهترین طریقه همکاری دسته جمعی بود که در یک طرح معماری - میتوانست صورت گیرد. در مدت ۳۷ سال کار در دفتر خیابان سور Sevres شماره ۳۵ میتوان آثار اورا به دو دسته تقسیم کرد: قبل و بعد از جنگ جهانی دوم. و اختلاف این دو دوره بیشتر در انتخاب متدلوزی است نه در وجود واقعی این دو فاز مختلف، زیرا که تحول بطور یکنواخت ولی آهسته و مدام در معماری لورکو بوزیه مانند تمام شون زندگی آن روز صورت میگرفت پلافالسله بعد از جنگ جهانی دوم لوکوربوزیه امید زیادی بشرکت در بازسازی صنعتی کشورش و بر نامه زیزی در اشل وسیع و با اصول تو داشت ولی امیدش بهیاس مبدل شد.

فعالیت وی در فرانسه به ساختن مسکن برای افراد خصوصی منحصر شد. در صورتیکه نظر او و هدف او ساختن خانه های کارگری برای توده مردم بود.



## بیوگرافی

شارل ادوارد ڈانره Charles Edouard Jeanneret بسال ۱۸۸۷ در ۴ کیلومتری مرز فرانسه در خاک سویس در محلی بنام لاشودوفون La Chaux de Fonds متولد شد.

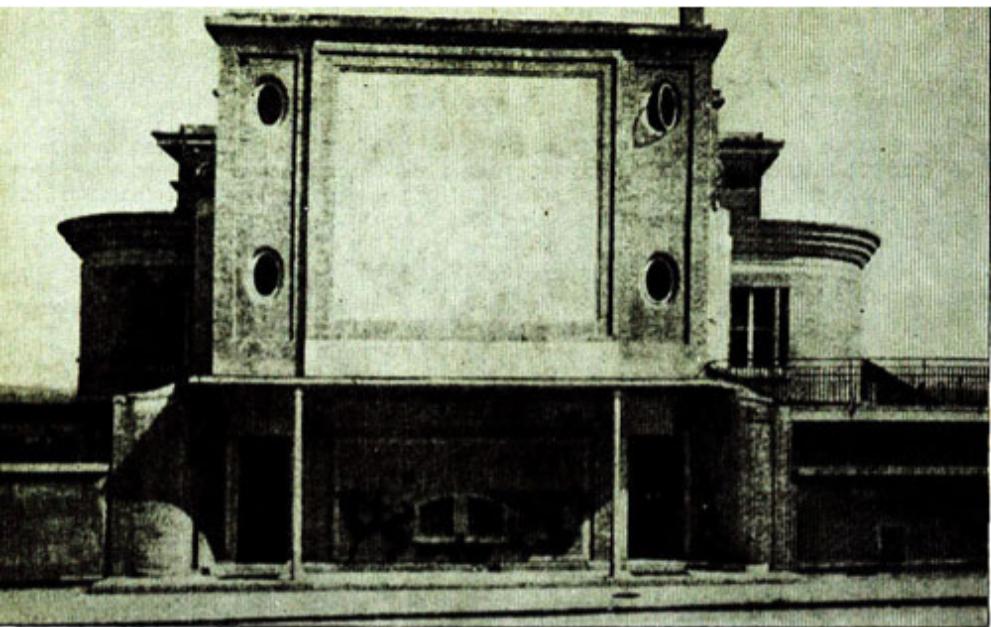
این جا محل فعالیت صنعتگران ساعت سویسی است و پس از لوکوربوزیه نیز نقاش صفحه ساعت بود - لوکوربوزیه این فن را از پدر آموخت چنانچه ساعتی را که همیشه در طول زندگی همراه داشت صفحه اش را خود نقاشی کرده بود.

مادرش موزیسین بود و آلبرت برادر لوکوربوزیه نیز به تاسی از مادر به این هزرت است. او یکسال بعد از میس وان در رو بدنی آمد یعنی درست همان سالی که از یک مندوسوں متولد شد - او ۴ سال از والتر گروپوس جوانتر بود - ۵ سال پیرتر از نترا ۱۹۱۶ سال از آلتو Aalto رایت و پره هریک بر ترتیب ۱۸ سال و سال از لوکوربوزیه بزرگتر بودند.

نتیجه این سیاحتها از مدرسه و معلم برای او ثمر بخش تر بود گنجینه هنری توده ها را از سنتی گرفته تا معماری فی البدیهه کشف کرد و با شاهکارهای معماری کلاسیک آشنا و به راز اشل و اندازه های آنها دست یافت.

چشمانش از معماری یونان در خشید و خصوصیات آنرا آهنگ بزرگترین شاهکارهای خود قرار داد:

(تلغیق معماری و محیط، رابطه آن با انسان و اهمیت نور) وقتی در سال ۱۹۰۸ لوکوربوزیه وارد پاریس شد بدون کوچکترین تردیدی بجای ورود به مدرسه بزار Beaux Arts آتلیه او گوست پره رفت Auguste Perret و این ۴ امسر بعدها (خصوص در هنگام طرح مسابقه کاخ مجمع اتفاق ملل) بضرر او تمام شد. پره Perret که مقاطعه کار ساختمانهای دولتی بود اولین کسی بود که بتن مسلح را در ساختمانها بکار برد. او اهمیت و آتیه این ماده جدید و امکانات پیشمارش را خوب شناخته بود و در سال ۱۹۰۳ اولین ساختمان بتنی خود را در خیابان فرانکلین پاریس اجراء نمود. لوکوربوزیه کار برد بتن را نزد پره Perret آموخت. و همین ماده بود که ایجاد شاهکارهای مهم لوکوربوزیه را امکان پذیر نمود مدت



**1916**

(L. C. 29 ans)

**Villa Schwob**

La Chaux de Fonds

**ویلا شوب ۱۹۱۶**

لاشودوفون - سویس (لوکوربوزیه ۲۹ ساله)

در قسمت بیرونی این ویلا، لوکوربوزیه مهارت استتیک خود را بکمک سیمان مسلح پنهان رسانده است.

این سیمان نه بطور کم عمق و نه بصورت برآمده مشکل از فلشهای براق در ساختمان بندی خود ظاهر میشود، هر یک از قسمتهای سفید مثل یک آرماتور بندی محکم بنتظر میرسند و بروح، احساسی از رضایت و امنیت و زیبائی میدهند. داخل ویلای لوکوربوزیه ترتیبات عالمانه‌ایست از حجمها که بر حسب یک نظام و انضباط منطقی و روشن واز ترکیب با منابع نور که در اطاق پخش میشود و خصوصیات آنرا مشخص می‌سازد درهم ادغام میشوند. هیچگونه زیستی برای تمايز اطاقها از یکدیگر دخالت ندارد. فرم (حجم) در اینجا کافی است و همین‌طور جهش نور از لاپلاسی پنجره‌ها که بر حسب مکان و زمان قرار گرفته و اندازه گبری شده‌اند. آنچه که در این خانه جلب توجه میکند کوچکی ابعاد و عظمت معماری آنستکه در تمام قسمت‌ها چه خارجی و داخلی نفوذ دارد.

«... من ازویلا بار دید کردم. احساس راحت، و اطباق حجمها و سطحها با هم‌دیگر و همچنین یک نظام و انتظام در جزئیات که بسدرت در عصر ما رعایت می‌شود، آنچه که خیلی‌ها «ریزه کاری» مینامند و خصوصاً قالب‌بندی، از خصوصیات آنست. شاید بوسیله قالب‌بندی است که ما بحدود یک معماری بی‌میریم این تقریباً صحه یک معمار است. معماری که قادر است طرح خوبی را انجام دهد تاحدی بوسیله خود طرح در بوجود آورد و حجمها هدایت می‌شود. اما وقتی قالب‌بندی فرامی‌رسد دیگر چیزی نمیتواند اورا راهنمایی کند مگر نیروی تصور، ذاته مطمئن، حسن زیبائی شخصی او و این نکته‌ای است که باید در باره‌اش مطالعه نمود...»

کارهای اولیه لوکوربوزیه (۱۹۰۶ - ۱۹۱۳)



Villa Fallet, 1906.



Villa Jacquemet, 1908.



Villa Stotzer, 1908.

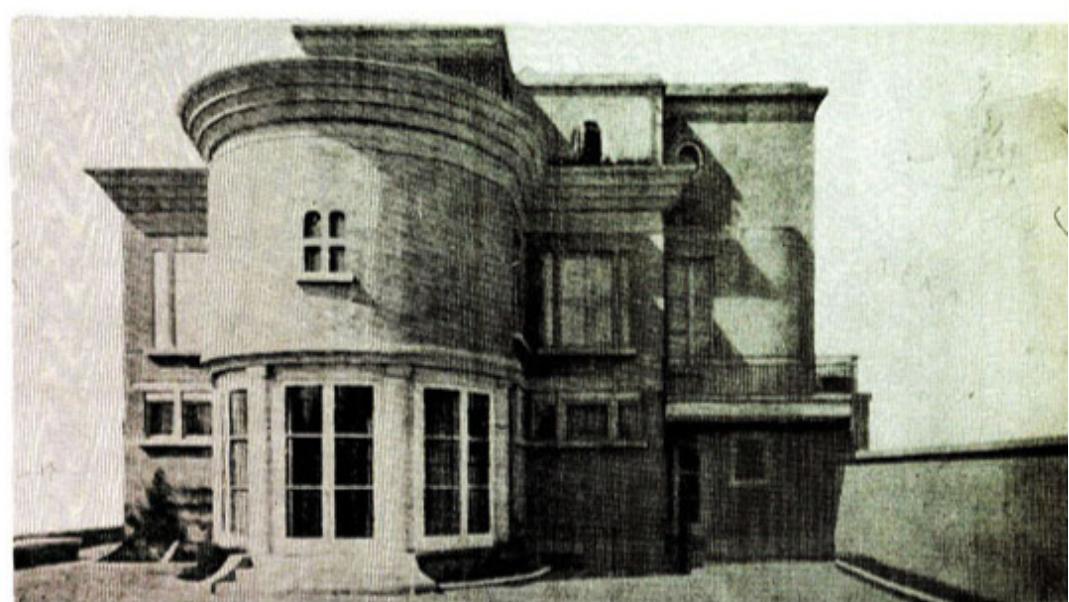
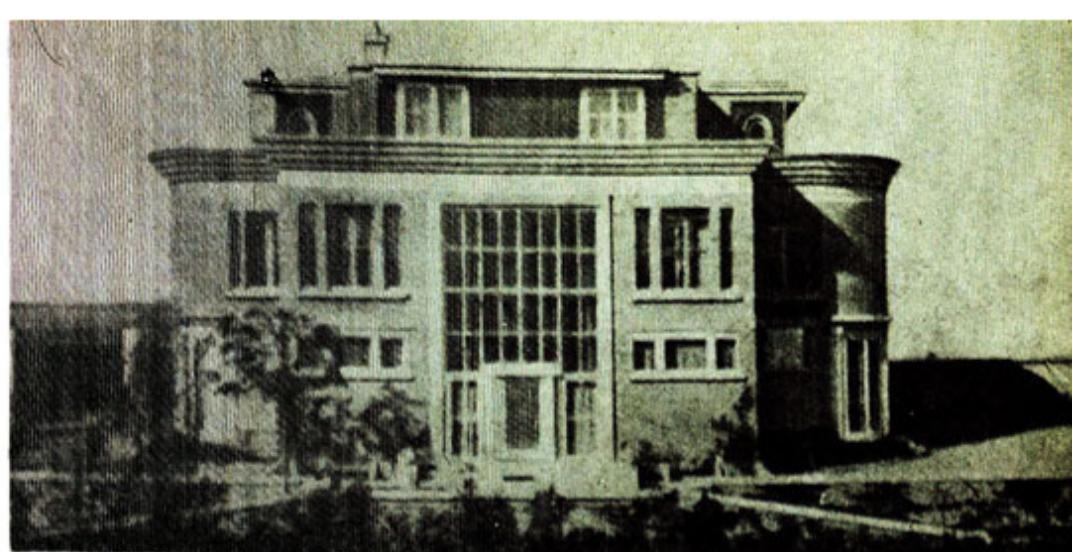
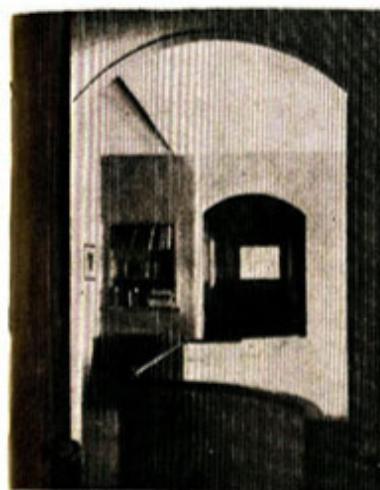
Les premières réalisations de Le Corbusier (1906 à 1912)



Villa Jeanneret Père, 1912.

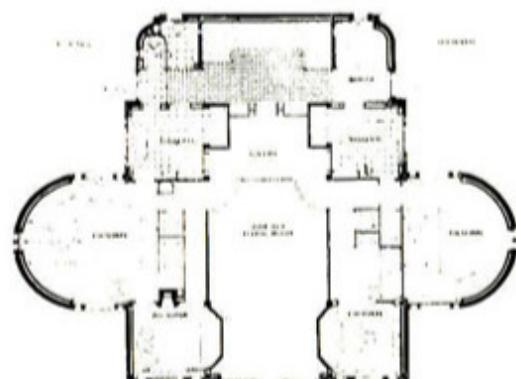


Villa Favre-Jacot, 1912.

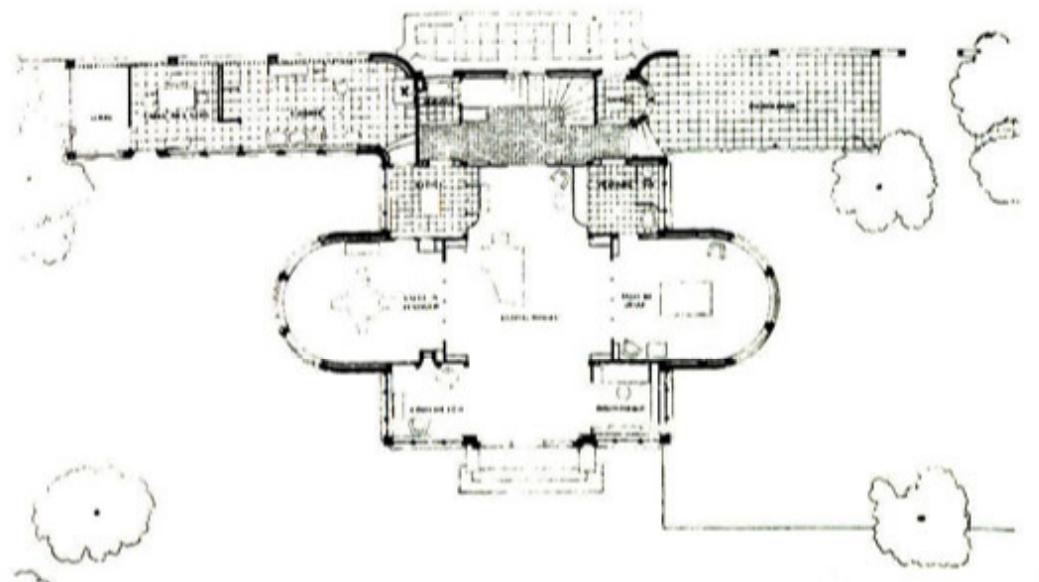


Détails de la villa Schwob

قسمتیهایی از ویلا شووب



Plan-masse de la villa Schwob



پلان مجموعه ویلا شووب



از نقان و لوکوربورزیه در برج ایفل (۲۶ زوئن ۱۹۲۳)

Ozenfant et Le Corbusier à la Tour Eiffel 26 Juin 1923

دیگر تنها نبودیم چون برای کار و مبارزه اشتراک نظر و مساعی داشتیم.

آلمانیها عقب‌نشینی خود را شروع کردند و پایتخت حالا از تیررس تو بهای بزرگ دور بود و مردم بخانه‌های خود برمی‌گشتند. ما هم پاریس بروگشتم زیرا در این شهر دیگر کار کردن و تأمین معاش امکان پذیر شده بود.

من از یک بحرات دئوپیس می‌گذشم: احتیاجی تقریباً مضطرب کننده به تجدید حیات و اصول و حتی به بیوچی احساس می‌کردم. این وسوسه در رویای پوریستی من اثر گذاشته بود. افامت من در خانه ییلاقی «پمبوف» بمن آموخته بود که با نداشتن هیچ هم میتوان در اطراف خود زندگی نمود و خوب کار کرد. در کارگاه خودم واقع در خیابان «ویتی» دو کار انجام دادم: از یک طرف مبلمان قشنگ قدیمی که از عنیقه‌فروشان «سن پترسیورگ» یا پاریس خریده بودم که همه قطعاتی بسود بسیار لوکس مثل: ظروف «وجودود» (Wodgwood) و «کواترا» (Coetera) و همه به هتل «درو» منتقل گردید. از تمام آنها من فقط یک تختخواب و شش صندلی چوبی مدل «تونه» متعلق بسال ۱۸۴۰

«من در پشت سرخودم قشونی از هزاران امیال و احساسات شدید و متصل بهم مشاهده می‌کنم، همیشه بخودم می‌گفتم: یک روز دست بکارهای ساخته‌انی خواهم زد این روزها من مثل یک بنای فقیری شده‌ام که بدون نقشه در کنجی خلوت بانتظار نشته است....»

(پاریس ۲۹ دیوئن ۱۹۱۷)

من از او خواهش کردم چند روزی نزد ما بسر بردا.

در اوایل سپتامبر بود که بایستگاه راه آهن «بوردو» رفتم تا با هم با قطار به «آندرنو» که معمولاً تعطیلات آخر هفته را در آنجا می‌گذراندیم برویم.

من برای وی یادداشت‌هایی در باره سبک «بوریسم» خواندم و باو پیشنهاد نمودم تا مشترک افکارمان را مورد استفاده قرار دهیم و با هم نوشته‌ایمان را امضاء کنیم و آثارمان را با هم نمایش دهیم.

او بدون قید و شرط قبول کرد: برخلاف ترتیب حروف الفباء که من پیشنهاد می‌کردم او می‌خواست که ما «اوزنfan و زانre» امضاء نمائیم زیرا من مبتکر عمل بودم و قبل از قسمت نقاشی و مطبوعات کار کرده بودم در صورتیکه او یک مهاجر ناشناس سویسی بود. از طرفی او نمیخواست آشکارا وارد هنر نقاشی شود زیرا ییم داشت که حرفة معماری خودش را به مخاطره اندازه‌زیرا نقاشی در آنزمان از نظر مشتریان آن بازدازه معماری جدی تلقی نمی‌شد.

در زیر آفتاب شدید تابستان در حالیکه خود را بوسیله یک روزنامه موسم به «پیتیزیروند» تاشده بصورت کلاه ڈاندارم از نور آفتاب محفوظ داشته بودیم در کتار هم جلو کلیساي قدیمی و کوچک و سفید رنگ دهکده «آندرنو» درست در کتار حوضچه بر از آب و بسبک خالص پوریست بنا آرکاشون (دهکده) ای که من در اوایل قرن تحصیلات در آن جا گذارند بودم نشستیم.

دو طرح ما مثل دو نصف سیب بهم شیه بود، خصوصاً برای آنکه در آنزمان «زانre» تقریباً از دید من مینگریست. از این رفاقت جدیدمان خوشحال بودیم.

## Extraits des Mémoires d'Amédée OZENFANT 1917-1922

# خطرات «آمدۀ اوزنfan» ۱۹۲۲-۱۹۱۷

اینک خاطراتی از «آمدۀ اوزنfan» (Amédée Ozenfant) که از دوستان قدیمی و هنرمند لوکوربورزیه بود. این خاطرات مربوط بالهای ۱۹۱۷-۱۹۲۲ است:

«او گوست پرسه» میل داشت مرا با یک آرشینک جوان سویسی که یکی از دستناتورهای قدیمی او بود، آشنا کند: «او شخصیت عجیب دارد و برای شما جالب توجه خواهد بود.»

در سال ۱۹۱۷ من سرانجام با «شارل ادوارد زانre» ملاقات کردم.

یک همدردی و سپس یک دوستی بین ما بوجود آمد که عمیق تر شد. هر دو نفرما شاهکارهای صنعت مدرن را دوست داشتیم و زانre نسبت باشیاء بسیار زیبای هنری خصوصاً اشیاء قدیمی ابراز علانه میکرد زیرا بسبک کوییم که برایش بی تفاوت مینمود هنوز کاملاً نآشنا بود. من او را در این راه هدایت کردم و او با نهایت صمیمیت تغیر عقیده داد.

از طرف وی نامه‌ای طوبیل و پر احساس دریافت نمودم که اینک چند سطر آن را یاد آور می‌شوم: «از وقته که دوباره بکار طراحی پرداخته ام همه جیز بنظر ایهام آمیز شده است. طغیانهای از خون، انگشتانم را باوهام میکشاند و روحیم دیگر برخود حاکم نیست.....» من در کارهایم نظم و انتظام دارم ولی قلبم و افکارم فاقد آنند. من خودم را عادت به تحرک خیلی زیاد داده‌ام.

«من در سرگردانی خود اراده آرام و عصبی و روش شمارا بخاطر می‌آورم. اینطور در رایم مشهود است که غاری از زمان ما را از همیگر جدا می‌سازد. من هنوز خودم را در آشیانه مطالعه حس میکنم در صورتیکه شما قدم بخلاقیت گذاشته‌اید.

انتخاب شده بود؟ هر کلمه موجود اجباراً فکری کنم و بیش دقیق را در نظر مرا مجسم می‌سازد. بوریسم بمعنای یکی از مقاصد ما یعنی خلوص بود، اما این معنا را بنحو شدیدی ادا می‌کرد آنچه

هدف ما بود باین عبارات مفهوم میگردید:

«ما عبارت پوریسم را برای بیان داشتن حالت روحیه مدرن و جستجوی کلیه امکانات لازم بکاریم بریم: علم فقط بانیری دقت پیش میروند. روحیه فعلی تمایل است بسوی دقت و بهترین استفاده از نیرها و مادیات با کمترین مواد زائد رویه مرفته تمایل به خلوص. این توصیف هنر نیز است.

... «بکمک ذهن مدرن‌ترین هنر یعنی کویسم را در این محیط علمی و صنعتی فراردهیم: عدم هماهنگی بنحو عجیب آشکار میگردد. مثل آنست که طرح اصلی تغییر یافته است. آیا طرح را با عبور از شهر تا «اکروب» عوض میکرند؟ زیرا «فید یاس» «وایکتینوس» در دوران خود هنرمند بودند.

کویست هنرمندی نیست که نماینده عصر ما باشد».

هدف آن بود که خود را مطبع زمان نمود، بلکه جزئی از آن بود و با آن ویرای آن کار کرد. ما میخواستیم که کارها بیان مربوط بزمان خودمان باشد اما این انتظار را هم داشتیم که بعد از آن نیز بتواند دوام یابد.

هدف آن بود که کلیه اپرسیونیسم‌ها از طریق نقاشی ظاهر گردد.

«مدتهاي مديدي است که هنر قادر نشده تصویرهای فرار تأثیرات زودگذر ما را بیان نماید».

ما فکر می‌کردیم که اپرسیونیسم‌ها مختلف فرم‌های واقعی اما ضمیف را بوجود می‌آورد و ما فرم‌های قوی در خود پرورش میدادیم: بوریسم هنری بود قوی زیرا خالص بود.

در لایتنهای گذراش اشیاء ما توصیه می‌کنیم که رویدادها در مواجهی انتخاب شود که خود را در حال «ثبات» عمد و مختص خود نشان مدهند.

کتاب منتشر گردید. شب نهم نوامبر در درحدود ساعت شش من از منزل خارج شدم تا نامهای تبلیغاتی کتاب «بعد از کویسم» را به پست تحویل دهم. با خوشحالی قدم بر میداشتم زیرا افکارمان در پاریس پر واژ در می‌آمد!

روزنامه «انترانزیزان» را از یک روزنامه

فروش خریدم: مرگ گیوم اپولینرا

نوشتن «بعد از کویسم» دور هم جمع می‌شدم و در خلال این کارمن یادداشت‌های خودم متعلق بدوران افاقت در پیمود و آندرنوس را با نضمام نتایج بحث‌هایمان در جستجوی امکان احیاء نمودن هنر دوره معاصر تنظیم می‌کردم.

او معمار بود و من نقاش، ڈانره اعتراض‌های بجای خود را علیه انحطاط هنر خود از الهه میداد. مادرسهاشی درباره آثار زیبای تکنیک صنعتی که مورد دلخواه استاد او اوگوست پرره و خود من خصوصاً از دوره آشناشی ام با ماشینهای سرعت بود می‌آموختیم. او ناسزاهای خود را نشار هنر تزیینی می‌کرد که بنحو عجیبی به حمامات گراییده بود. من مقالات نوپردازی را که در اوایل قرن توسط «لوس» (معمار معروف ویشنی) نوشته شده بود و ما در سال ۱۹۴۰ در نشریه «روحیه جدید» شماره ۲ چاپ کردیم، برای اهنجانه از وتر مقاله «بعد از کویسم» با نوشته‌ای از اولین مظاہر تصفیه معماری شروع می‌شد.

«انحطاط نتیجه‌ای است از سهل انگاری در انجام کاری و تصور در کارخوب و زیبائی را کدو تمایل بغير معمول». این عنوان اعلام خط‌سری بسود برای جویندگان افتضاحهای آسان و برای بعضی از کویستها و دادائیستها که با کوشش در انجام کارهای غیر معمولی، از امکانات عجیب و غریب که برای آنها نشانه واقعی نوپردازی محسوب می‌شود سوه استفاده بعمل می‌آورند.

و ما از زندگی در دنیا پر نعمت و زیاد ناشناخته و خصوصاً مغلوب شده تو سط هنرمندانی که بر عکس می‌باشد هنر خود را در آن پرورش دهند، خوشحال بودیم.

من کویسم را میدیدم که استوار روی یک سه‌پایه دوار و درست در لبه زمان که بخوبی جریان داشت قرار گرفته بود.

ما درباره «منظمهای بزرگ» کارخانجات

جدید و عظمت کامل پلها و کشتهای اقبانوس- پیما و سدهائی که بسل رومیان بسود احساس شوق و هیجان می‌کردیم و همچنین زیبائی هوا پیما-

های اصیل را که در اثر شرایط صنعتی سرعت بوجود آمده بود تحسین مینمودیم: شرایطی که

ظرافت‌های فرم در خود یونان را نوید میداد.

«ما امروز پلهای «گارد» خود را داریم و فردا نیز «پارتنون» خود را خواهیم داشت. عصر ما دارای آلات و ایزاری است که برای بوجود آوردن ایده‌آل نکامل، عصر پریکلس فاقد آن بود.

آیا عبارت پوریسم (Purism) خوب

و میزقشیگ و گرد از جوب «آکازو» (acajou) و یک سه‌پایه و چند بشتاب و دیگ و کتابهایم را برای خود نگهداشت. تعداد زیادی تابلو طعمه حریق گردید.

من خودم را آزادتر و سبکتر احساس می‌نمودم و میتوانستم هر کجا که بخواهم بروم بدون آنکه باشیائی پای بندشوم. من «پاسی» را ترک کردم و بخیابان «گودو - دو - موروا» در قلب پاریس و نزدیک به «مادلن» نقل مکان نمودم. بنظر من آپارتمان جدیدم پس مانده‌ای بود از آنجا که استاندار در سال ۱۸۳۶ در آن زندگی کرده بود.

در آنجا گلوبی های بزرگی وجود داشت که درون آنها مارمولک‌ها میلو لیدند. من تصمیم گرفتم این تزئینات یمورد را از میان بردارم و آپارتمان را از بالا پائین برنگ سفید سقف درآورم. این یکی از اولین مظاہر تصفیه معماری بود در فضای که من پیشه‌داد کردم بنام دوره تصفیه فضا خوانده شود.

کارهای نجاری ڈانره رضایت‌بخش تر نشده بسود و او هیچگونه سفارش معماری بغير از سفارش خانه «شووب» که در سال ۱۹۱۶ با تمام رسید دریافت نکرده بود در حالیکه اکنون دو سال از آن زمان میگذشت. من او را وادار نمود که برای پیشبرد استعدادهای بزرگ معماری اش که بیکار مانده بود بکارهای نقاشی دست بزند. اوهر گر نقاش نشد (طبق نوشته‌های خودش)، و در جریان مسافرتها یش طرحهای جالبی به مرآه آورده بود و بطور تفریحی مقداری طرح فکاهی با رنگ‌گو آش ترسیم نموده بود که این طرحها جنبه کاریکاتوری نیز داشت و تا اندازه‌ای بسک وین و ساروک بود و عموماً صحنه‌هایی از «لوبانار» (lupanars) یا «موکر» (Mouquères) دبطی به پوریسم نداشت.

من روشهای نقاشی خودم را باویاد میدادم و افکارم را بوی می‌سپردم و هر روز در کارگاه من واقع در خیابان «گودو - دو - موروا» در جوار هم‌دیگر نقاشی می‌کردیم. امضاء تابلوهایش رفته شیه با مضام من میگردید که از ابتدا بصورت اولیه باقیمانده بود. این واقعاً یک کارمشترک بود. من مثل صدا بودم و او مثل طنینی که گاهی اوقات آنرا تقویت می‌کرد.

«بعد از کویسم» شباهی نزدمن و گاهی پیش او برای

جنگ پایان میرسید، دوره‌ای سپری میشد، رهبر آخرین مظاهر هنر آن عصر نیز ناپدید می‌گردید کویسم همراه جنگ بتاریخ سپرده میشد.

کتاب کوچک ما موقیت بزرگی کسب نمود؛ این اولین کتابی بود که بعد از پایان جنگ و بدون شک از بد شروع آن درباره هنر در فرانسه منتشر می‌گردید اکنون مردم علاقه به چیزهای دیگری داشتند و نه برایادهای خصمانه و دعوت به جنگ.

در کتاب «بعد از کویسم» دعوی (به نمایشگاه اوزنfan و زانره) ضمیمه شده بود. این نمایشگاه دریک گالری که بهمن منظور دریک سالن خیاطی «ژوو» تعیین شده بود تحت عنوان گالری توماس ترتیب یافت.

وقوع چنین ظاهری هنوز خیلی زود بود زیرا سبک پوریسم فقط در رویه مردم پدید آمده بود.

همانطور که بعدها «رنال» در انقاد خود گفت این «پروتو - پوریسم» بود. با اینحال طبقات وسیعی از مردم و مطبوعات آنرا بازدید نمودند زیرا نمایشگاه مزبور اولین نمایشگاهی بود که از سال ۱۹۱۴ سبک جدیدی را ارائه میداد.

### بنیان‌گذاری «روحیه جدید»

(L'Esprit Nouveau)  
بنظور دادن توسعه پیشتر به جنبش خود، من به زانره پیشنهاد کرده بودم که مجله‌ای را انتشار دهیم. مجله مزبور مجموع فعالیت‌های عالی را در برمیگرفت و آنها را ضمیمه هم میاخت.

از همان اوایل پیدایش من مخالف بودم که پوریسم را یک زیبائی محدود سازم؛ من می‌خواستم که آن سبک نه یک طرز عمل بلکه طرقای باشد برای فکر کردن و احساس نمودن و بطور کلی یک فلسفه و یک رویه جدید.

و این عنوانی بود که برای مجله انتخاب گردید. اپولینیر این فرمول را بکار برد بود اما در جهتی و به مفهومی دیگر و بسیار ضد و نقیض - یک نوع جنجال برای سبک دادائیسم.

انتشار مجله در اکتبر ۱۹۲۰ شروع گردید.

سه شماره اول آن توسط «پل درمه» اداره شد. چون او شاعر و روزنامه‌نگار بود، ما اورا مأمور نمودیم تا بازهنجانی‌های ما مجله را اداره کنند. متأسفانه آن جوان میخواست مجله را بصورت پاک جنایتی است علیه طبیعت و من «میرو» را

حذف نمودیم، بعداً چون او دارای روحی پر- فتوت بود، بهمترم تلاش‌های ما پی برد و در نتیجه «روحیه جدید» تعدادی از نوشته‌های ویرا منتشر نمود.

در آن دوره کویسم قیافه واقعی خود را هنوز نشان نداده بود و آنچه در صفحه مقدم قرار داشت بر ترتیب عبارت بود از سبک‌های جنگ‌الی منفی و پوریسم خلق کننده.

معماران ییش از پیش و کورکورانه از بدترین فرمولها پیروی میکردند؛ چنان بمنظور میرسید که آنها یک بازی سرگرم کننده مشغول بودند. آنها مخصوصاً نه و گویا پیغمبر از همه‌جا از سبک‌های قدیمی و زیبا نقلید میکردند. میشود گفت که در آن‌زمان اصولاً هیچ نوع معماری در فرانسه وجود نداشت. آنچه بود فقط ساختمان بود و تقليدهای مختلف.

اگوست پرره، (Auguste Perret) و تونی گارنیه (Tony Garner) و ماله -

استونس (Mallet - Stevens) تقریباً تنها کسانی بودند که برای یک معماری جدید بر اصول تکنیکی بهتر مجاہدت میکردند. یکی از دوستان من بنام «هانری پیر - روش» که حرفاش نویسنده بود و بعلقه من نسبت به معماری بی برد بود از سفر خود به آمریکا تعدادی عکس از سیلوهای غلات که بناهای عظیم بود ولی در محاذی هنری فرانسه بهیچوجه شناخته شده بود برای من آورد. من از عظمت آن بناها به تحسین افتادم زیرا بعضی از آنها دارای ابعاد و مقاييس معمولی کسور (Louksor) و فرمای سنگین و تحسین آمیز بود و بدون آنکه خواسته شود، سبک واقعی پوریست بنا گردیده بود.

این ساختمانها از آثار هنرمندان نامی نبود بلکه مهندس‌گمان آنها را بنا نموده بودند؛ شرایط ساختمانی و استفاده‌ای آنها با دخالت مستقیم یک معادله برآورده شده بود. این معادله عبارت بود از وظایف محوله و ساختمان. از این ادغام مسالمت‌آمیز فرم‌های رضاشیخ نظری بسیاری از فرمایانی که تنها طبیعت قادر است بوجود بیاورد بدست آمده بود. در اینجا و آنجا تعدادی نما سبک یونانی برروی این مجموعه از استوانهای عظیم ترتیب یافته بود. مهندس یا معماری خواسته بود با مراجعه به جندهای محاسبات، زیبائی بوجود آورد؛ این کاری است در خور مهندس. مثل کسیکه بخواهد تخم مرغی را زینت بخشید (رنگ کردن تخم مرغ روز بعید پاک جنایتی است علیه طبیعت و من «میرو» را

برای اینکارش سرزنش میکنم). من بکم رنگ‌گوش این قسمت‌های زائد را حذف نمودم و همه‌چیز بصورت خالص یا تقریباً خالص در آمد.

دانره - زیرا او در این لحظه تاریخی هنوز بهمین اسم خوانده میشد - آنچه را که مافکر می‌کردیم به رشته تحریر در آورد و بسزدی در این نوشته مختصر خصوصیات نوشته‌های او بچشم میخورد که اغلب اوقات پر جوش و خوش و دارای نتیجه‌گیری نامعلوم اما فوق العاده بال و منطقی است.

من میخواستم از اسم واقعی خودم و اسم او در مقاله‌های مربوط به نقاشی و زیبائی کلی استفاده نمایم.

- من نام مادرم سوئیه را بکار می‌برم و شما اسم مادر خودتان را.....

- غیر ممکن است زیرا اسم او هم پسر است امثل اگوست

- خوب پس در اینصورت اسم یک دائی را انتخاب کنید.....

چندان نفر بودند بنام لوکوربزیه - Lecor

bésire و مهشان مرده‌اند...

خوب، اسم را قدری تغیر می‌دهید و بخود تان می‌گویید لوکوربزیه (Le Corbusier) این لقب جدید شارل ادوارڈانره برای اولین بار در ماه اکتبر سال ۱۹۳۰ در صفحه ۹۵ شماره اول مجله «روحیه جدید» پعنوان امضاء مشترک زیر مقاله من درباره سیلوهای غلات امریکائی که بجای «زانره اوزنfan»، «لوکوربزیه سوئیه» امضاء شده بود بسکار رفت. (چون او حرنه معماری داشت من پیشنهاد نموده بودم که برای مقاومتها درباره این هنر امضاء او قبل از امضاء من قرار گیرد). در آن مقاله من قسمت تصاویر را تهمه کرده بودم و او تفسیرها را بر شه تحریر در آورده بود.

سال‌ها گذشت، «روحیه جدید» سه ساله شده بود. مبارزه خوش بین‌آنه آن بنفع زمان بموفیت درخشانی نائل شده بود؛ پوریسم ورق تازه‌ای به تاریخچه هنر افزوده بود. معماری مدرن اکنون باوج شهرت رسیده بود. لوکوربزیه بهمین زودی بخطاط تئوری‌هایش مشهور شده بود.

ما، دین بزرگ خود را بیانین ادا کرده بودیم و طریقه‌هایی برای استفاده از آن بطور ذهنی و زیبائی پیشنهاد نموده بودیم.

کارگاه اوزنfan در این موقع مقداری اثایه که از پدرم بازت

من مهندس شدم . پیر طرح و ترتیبات فنی را تکمیل نموده و لوکور بوزیه هنرمندانگردید . در اینجا برای خود افتخار میدانستم که مرد با ارزشی چون شارل - ادوارڈ ارنه را کشن نموده و اولین مشتری لوکور بوزیه شده باشم . آمده او زنان

لاینقطع پکم جسدارهای مختلف شایستگی بخصوصی باین رستوران محقق میبخشد . هر کس در آنجا احساس آرامش میکرد . ما فکر میکردیم که یک و پلا اگر روی طرح اصولی مشابه ترتیب میباشد بسیار مناسب میشد . رستوران لوڑاند در مدل کارگاه من و اولین خانه ساخته شده بدست لوکور بوزیه محسوب میشود .

تا آن زمان لوکور بوزیه خیلی کم باختن بنا دست زده بود و تمام بناهای او از سه واحد تجاوز نمیکرد : یک خانه اجاره ای ، و پلا و الینش ، یک سینما و آخرین خانه که در سال ۱۹۱۶ ساخته شد و آن خانه آقای آناتول شووب در شهر لاشو دوفون بود . من از آن خانه دیدن کرده بودم و در شماره ماه مارس ۱۹۲۱ مجله «روحیه جدید» از آن تمجید زیادی نموده بودم . مقاله من بynam مستعار ژولین کارن که اسم یکی از اهل خانواده ام بود امضاء گردید .

این اولین مقامهای بود که در باره لوکور بوزیه نوشته میشد .

خانه مزبور عالی بود اما نوعی تحسین برای اگوست پره محسوب میشد . خانه من کوچکترین شباهتی با آن نداشت چه حادثه ای اتفاق افتاده بود ؟ پوریسم .

من طرحهای خودم را به لوکور بوزیه و به دائی وی پیر ارنه ارائه دادم و آنها طرحهای مزبور را بدون تغییردادن ماهیت آنها توسعه دادند . من میباشد یک خانه ویژه کارم اکتفا نمایم . آنها برای من بنای کوچک و زیبائی احداث کردند .

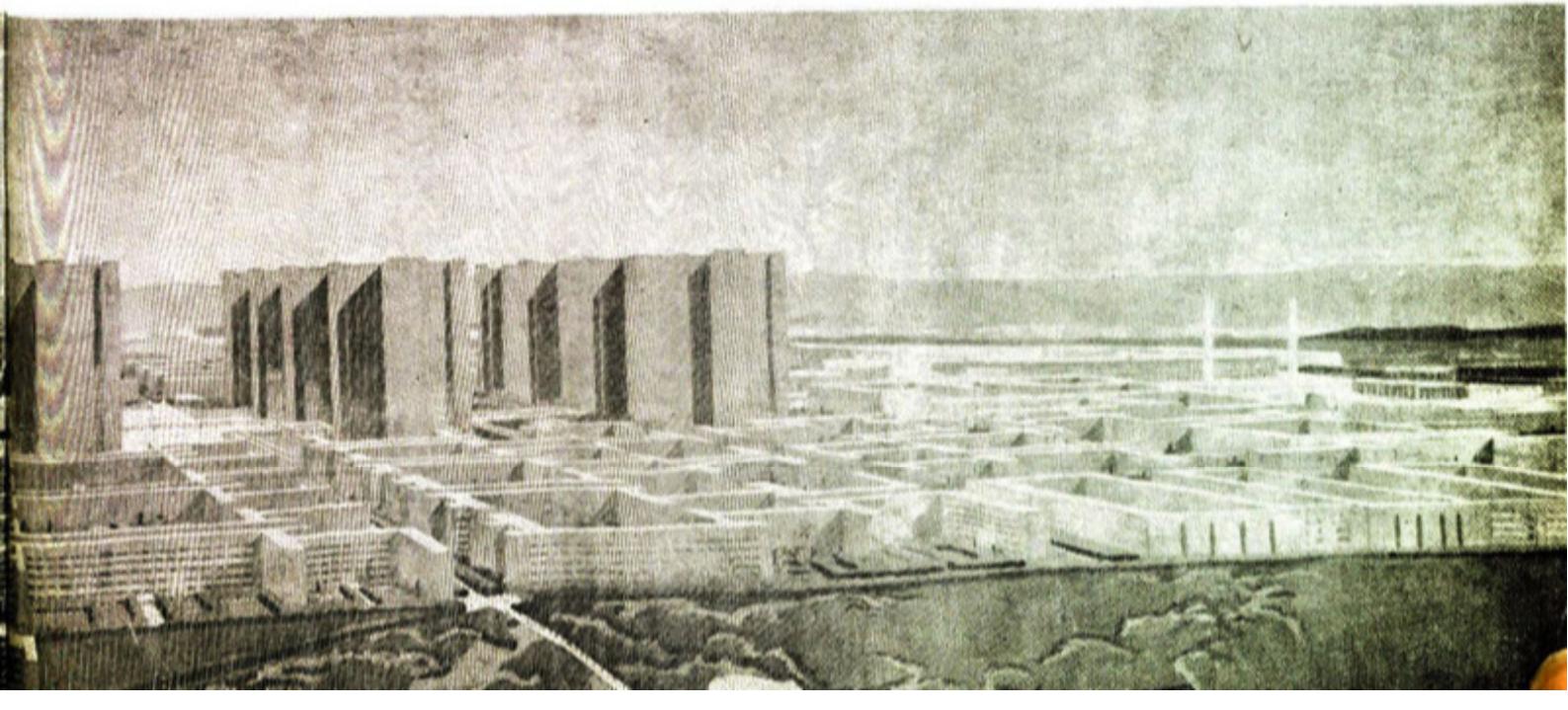
رسیده بود بدست من افتاد . چون از او ایل فعالیتم همیشه در این فکر بود که کارگاهم را مطابق احتیاجات و سلیقه خودم تأسیس نمایم لذا بهزند دوست شناختم تا او را قدری غافلگیر سازم : یعنی اولین خانه لوکور بوزیه را بوي سفارش دهم با این عمل میخواستم رشته های دوستی بین خودمان را تحکیم نمایم .

من بخوبی میتوانستم از وجود معمار چشم بوشی کنم همانطوریکه قبل از شناختن او این نمایم را برای احداث خانه های خانوادگی خودمان و بعدها برای تأسیسات خود انجام داده بودم .

در مدت شش سال لوکور بوزیه و من تقریباً روزانه غذایمان را با تفاوت هم ، در کافه کوچک لوڑاند رو بروی آپارتمان من واقع در خیابان گودو - دو - موروا صرف میکردیم . آن کافه محلی بود نسبتاً تنگ اما دراز با طولی تقریباً چهار برابر عرض و انتهای آنهم در نصف ارتفاع ش دارای یک بالکن بود . تزئیناتی شبیه به یک پلکان تاریخی با آن سالن منتهی میگردید . روشنانی از طریق یک پنجره شباهی بزرگ که تمامی نما را میپوشاند وارد میشد .

ما این امکان را دوست میداشتیم زیرا تزئینات آن فضای داخل را به نحو ابتکار آمیز و دل انگیزی آراسته بود . بلندی سقف اصلی به نگاه آزادی میبخشد و سقفهای نسبتاً کوتاه راهرو و قسمت هم کف جایگاههای بسیار دوست داشتنی و محرومانه بوجود میآورد . محورهای طویل و

# trois millions d'habitants



1922

(L. C. 35 ans)

La prophétie :  
La figuration

# ۱- شهر سه میلیون نفوی معاصر

۱۹۲۲ (لوکور بوزیه در سن ۳۵ سالگی)

ثروتمندان، بودجه‌های شهرداری، یا آنکه مأیوسانه بدساختمان می‌شود و در نتیجه ساکن خانه از راحت و آسایش لازم محروم می‌گردد. ماشینی که بطور سری ساخته شده شاهکاری است از راحتی و دقت و تعادل و سلیقه، خانه‌ای که از روی مقیاس (وروی زمین کج و معوج) بنا گردد شاهکارهایی است از عدم صلاحیت باعجیب الخلقه بودن.

«این یک فوتوریسم جسارت آمیز و دینامیت ادبی نیست که باهیا هو بصورت تماشاجی پاشیده شود، این نمایشی است که توسط عمارت تدارک دیده شده بالامکانات زیائی، یعنی بازی فرمها در زیر روشنائی».

«من بعلاییه یک فرد حرفاًی که در آزمایشگاه خود کارمیکند عمل نموده‌ام، ازمو ازد نمونه چشم‌پوشی کرده و تمام حوالدرانادیده گرفته‌ام، من برای خودم زمین ایده‌آلی درنظر گرفته‌ام، هدف آن نبوده که بر اوضاع قبلی مسلط شوم بلکه باساختن یک بنای دقیق بتدارک اصول عمده شهرسازی مدرن دست‌یابم، این اصول عمده ساختمان -

بندی تمامی سیستم شهرسازی را تشکیل خواهند داد و قانونی خواهند

بود که طبق آن بازی باید صورت گیرد.»

اصول عمده عبارت است از:

۱-- خلوت‌نمودن مرکز شهر

۲-- افزایش ظرفیت شهر

۳-- افزایش وسایل عبور و مرور

۴-- افزایش فضاهای سبز

دروسط، ایستگاه راه آهن با فرودگاه، شمال... جنوب و شرق

غرب، جاده بزرگ برای اتومبیلهای سریع السیر (پلهای مرتفع بعرض

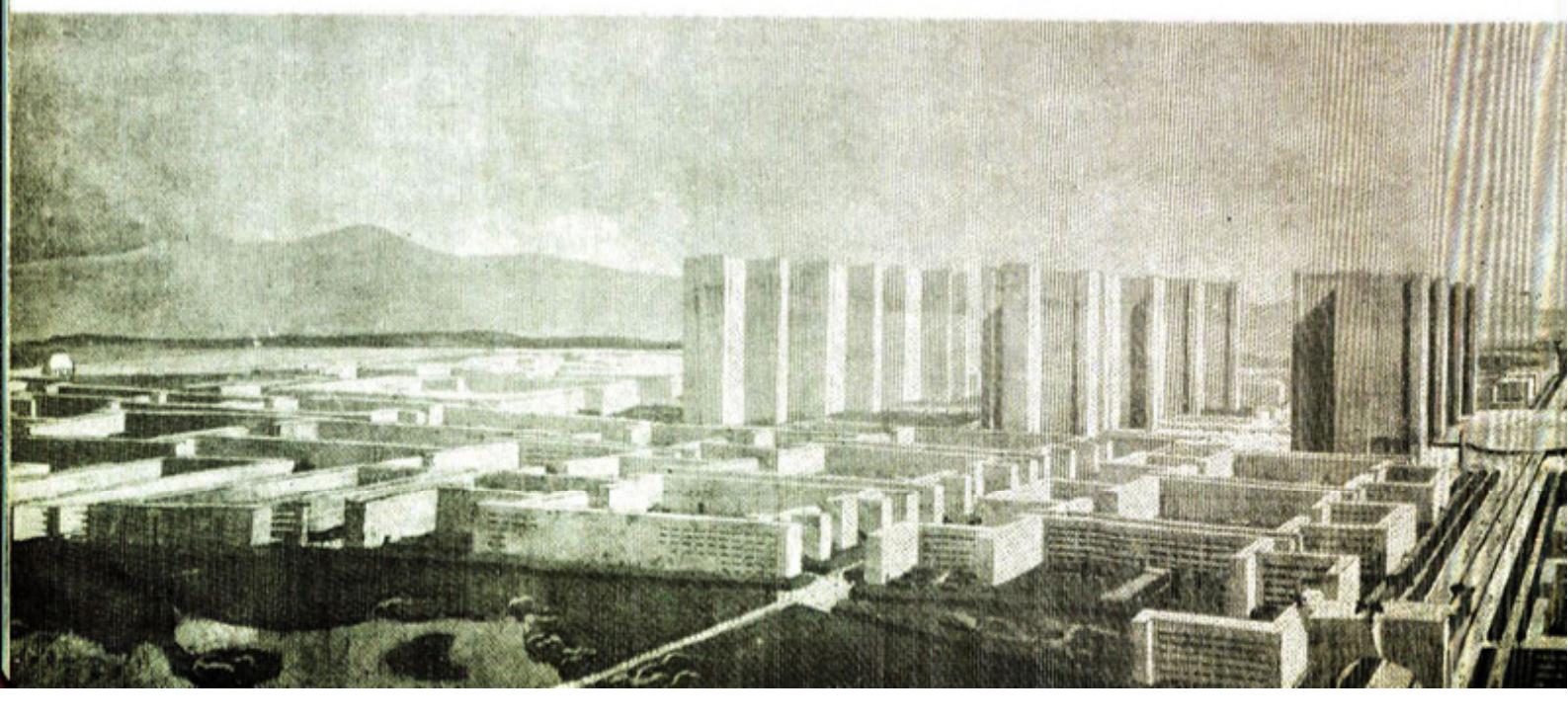
۴۰ متر).

برای ساختن در فضای آزاد یعنی جایگزین ساختن زمین ناهموار و نامساعد که تنها زمین موجود در حال حاضر می‌باشد بوسیله یک زمین منظم در خارج از این شرط هیچ راه نجات دیگری وجود ندارد.

این هترمند معتقد بطرحهای منظم بود و نتیجه طرحهای منظم را در «سری» میداند نتیجه سری: استاندار دو تکامل (ایجاد نمونه‌ها)، طرح منظم هندسه‌ای است که وارد عمل می‌شود، هیچ کار انسانی خوب بدون هندسه صورت نمی‌گیرد، هندسه همان جوهر و عصاره معماری می‌باشد. برای وارد ساختن سری در ساختمن شهر باید بنا را صنعتی کرد، بنا تنها فعالیت انسانی است که تا بحال از صنعتی شدن مصنون مانده، پس بنا از حیطه تمدن پرستمانده است و در خارج از قیمت‌عادی قرار گرفته است.

معمار از نقطه نظر حرفاًی تغییر ماهیت داده، او خود را بدوسیت داشتن زمین کج و معوج عادت داده، با این ادعای که رمز راه حلها ابتکاری را پیدا کرده است، معمار اشتباه می‌کند. زمان علیه او به قیام برخاسته است. از این پس امکان سازندگی وجود ندارد مگر برای

## 1. Une ville contemporaine de





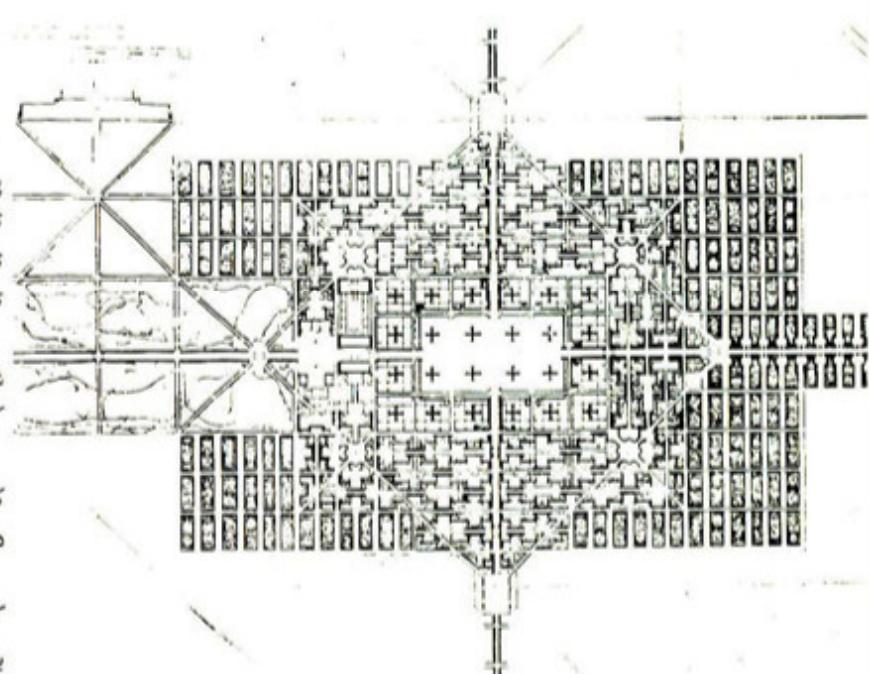
Rue qui traverse un lotissement à redents. »

در پائین آسمان خراش و در اطراف آن میدانی بمساحت  $2400 \times 1500$  متر ( $3640000$  متر مربع) پوشیده از با غچه و پارک و فضای سبز، داخل پارکها، در پائین و اطراف آسمان خراش، تعدادی رستوران و کافه و بازار لوکس و ساختمانهای دو یا سه طبقه با تراس - تأثیر وسالن وغیره، گاراژهای روباز، آسمان خراشها بدفاتر تجاری اختصاص خواهد داشت.

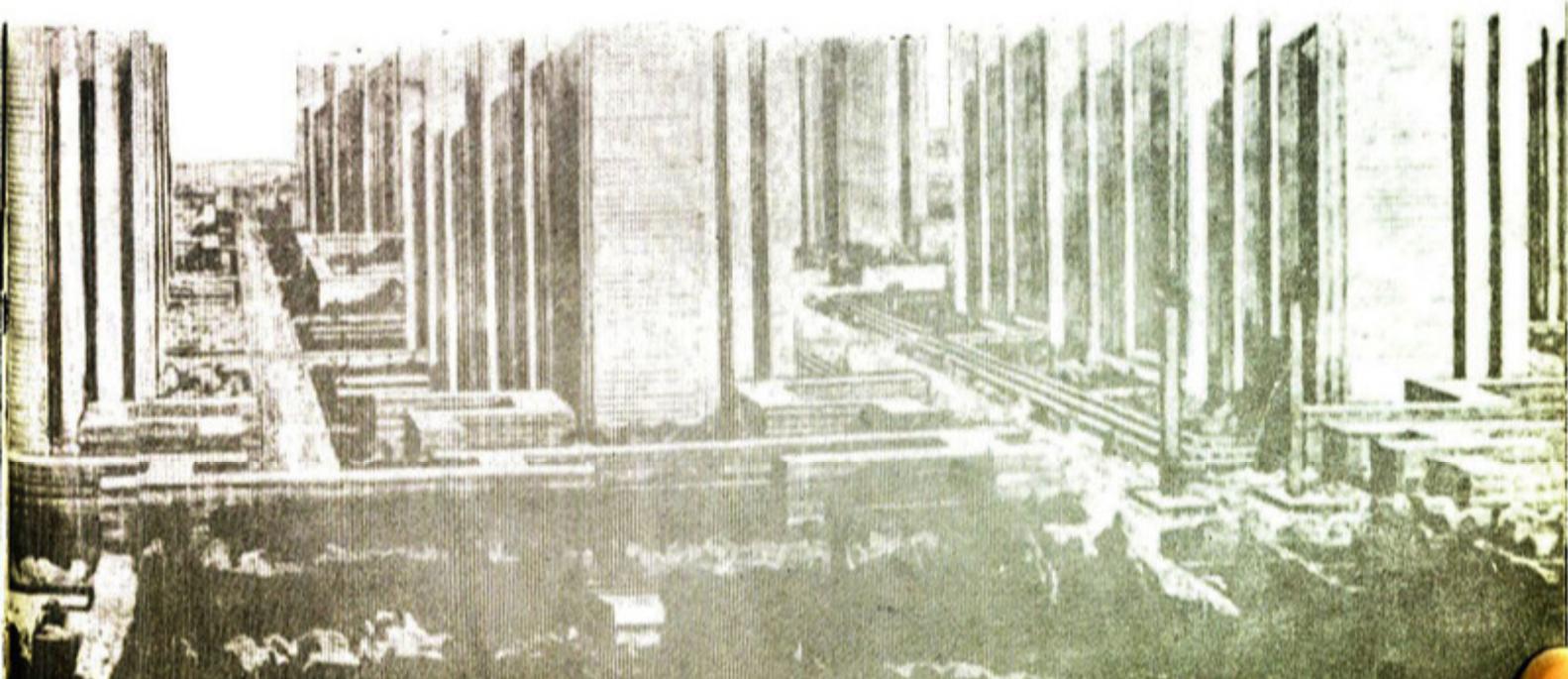
در سمت چپ: بناهای عمومی بزرگ و دانشگاه و موزه و شهرداری و خدمات عمومی، کمی دورتر در سمت چپ: با غچه نمرجي که در قلب هر کوی و بر زن باید وجود داشته باشد.

در سمت راست: بندرگاه و محله های صنعتی با ایستگاه راه آهن کالای تجاری که در خط سیر یکی از رشته های جاده بزرگ قرار دارد.

در اطراف شهر یک منطقه خارج از محدوده در نظر گرفته می شود که شامل فضای سبز و چمنزار می باشد، و دورتر از آن منطقه کوی -- با غچه بصورت یک کمر بند وسیع وجود خواهد داشت.



Diorama exposé au Salon d'Automne. 1922.



# ۲۰. طرح مجاور قی پاریس

۱۹۲۵ (لوگور بوزیه ۳۸ سال دارد)

طرحی که در غرفه مجله «روجیه جدید» در نمایشگاه هنرهای تزئینی پاریس ارائه شد.

«در شهرسازی راه حلها (طبی) یک نیر نگ محسوب میشود. این راه حلها دردی را دوای نمیکند و خیلی گر ان تمام میشود. این راه حلها جراحی هستند که مدارا امیکنند».

«پس شما ادعا دارید که پاریس دست بزنید و گنجیه تاریخی آنرا ویران کنید و دوباره بسازید و از میان بردارید و قیافه جدیدی به شهر آرام بدهید؟

«من خطاب به آکادمیسین‌ها این سوال را مطرح میسازم: «پاریس چه هست؟ زیبائی پاریس در کجاست؟ روح پاریس کدامست؟»

من شهر قرون وسطائی را در نظرم مجسم میسازم با اتردام داخل سیته که آب آنرا فراگرفته است و آن پلهای مملو از خانه و آن راههای بزرگ که از دروازه‌ها بیرون آمده و شهرستانها منتهی میشوند و آن دیرها و صومعه‌ها که اولین مرحله را نشان میدهند سن ژرمون دبره - سنت آنوان وغیره.

من اکنون یک واقعه مهم را یادآور میشوم: ساختمان ستون‌بندی لوور توسط لوئی چهاردهم، چه غروری و چه تحیری از آنچه که هست و چه قطع موازن و چه گناه توهین آمیزی ا در بر این راههای که چون دندانه‌های اره کنارهم قرار گرفته‌اندو کوچه‌ها بر پیچ و خم و ذات شهر قرن وسطائی که درون خود فرورفته است، چهره معنوی و بی‌نظیر قرن بزرگ آشکار میشود.

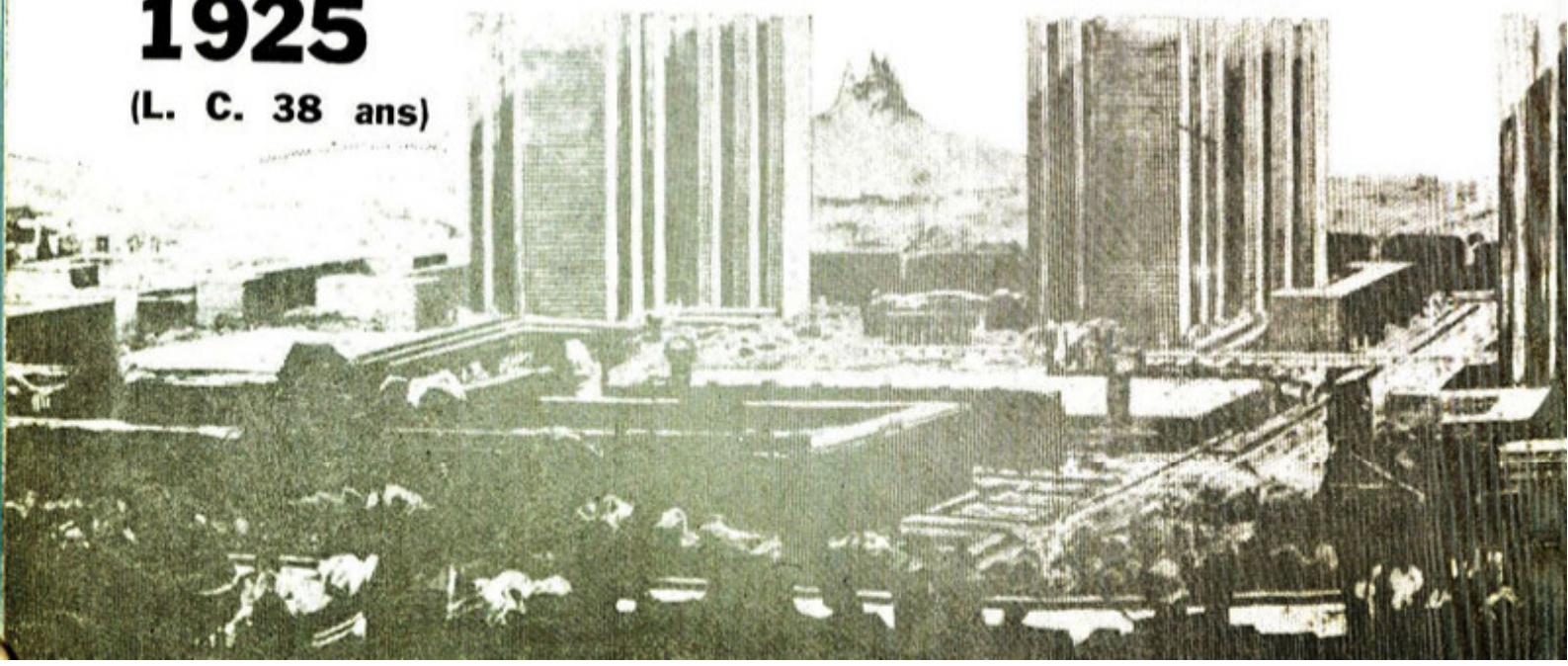
پادشاه به ساختمان کردن ادامه میدهد در جلوها بنای «آنوالد» قرارداد و یک گبد در دنیا از برجهای گوتیک

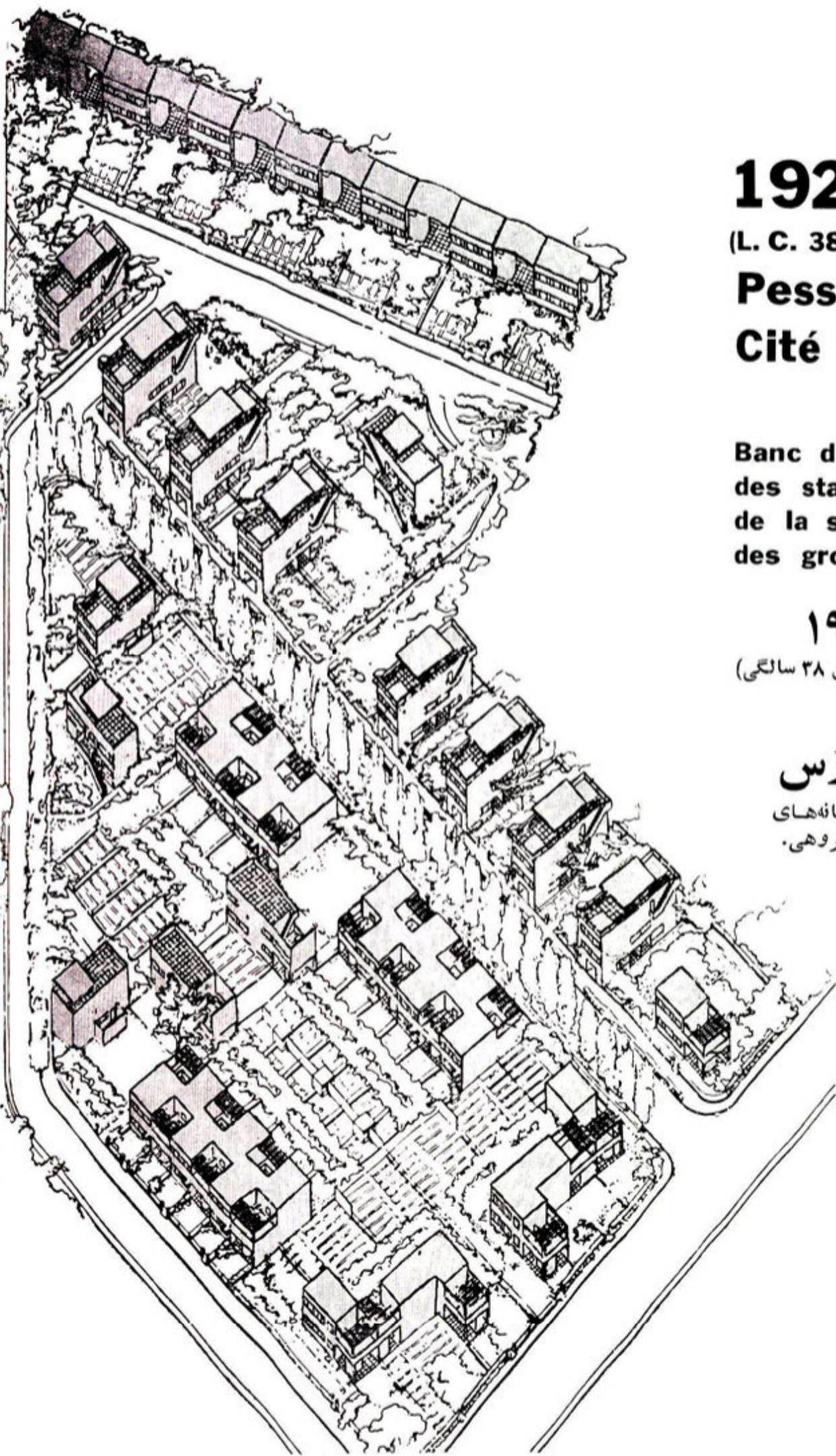
قیافه پاریس با خطوط طی دقیق توأم گردیده است که سرود واقعی سنگهای محسوب میشود..... سوپلو بنای پاریس را در نک سن - ژنو و بو قرارداده که آنهم بصورت گنبدی در آمده است اشعارا خواهان هماهنگی درخشان و چشمگیر سنگهای فرانسه هستند.  
ایفل بیدا میشود و دیری نمیگذرد که برج ایفل ساخته میشود! اینست پاریس! پاریسیها برج را دوست دارند زیرا دور از مزه‌ها در قلب آنها تی که پاریس فکر میکنند جای گرفته است...  
لذا من این واقعه معاصر را ترسیم میکنم: محله کسب و کار و داد و ستد های پاریس، محله‌ای عظیم و بی‌نظیر - محله‌ای پر زرق و برق و منظم! من با انتکاء به تاریخچه شهر و با اتسکاء بقدرت حیاتی آن و مفهوم آداب و رسوم آن و روحیه قوی و همیشه خلاقه آن - حتی روحیه سریع و دائم اانقلابی آن با انتکاء بسوابق تاریخی آن و ایمانی که به عصر حاضر دارم و با انتکاء بواقعیت‌های پرشوریک فردای عنقریب بسردی و با عزم جزم میگوییم: «اینست پاریس!» من حس میکنم که تمامی دنیا پاریس چشم دوخته است و از پاریس انتظار حیر کننده دارد که امر میکند و می‌فریند و حادثه معماری را که تمامی شهرهای دیگر را روشن خواهد ساخت به نظام واقعی ارتقاء میدهد. من پاریس ایمان دارم. من به پاریس امید دارم. من از پاریس می‌خواهم که همین امروز بار دیگر این حرکت تاریخی خود را انجام دهد: یعنی به حیات خود ادامه دهد!..

آکادمیسم فریاد میزند: خیر!

## 2. Plan Voisin de Paris 1925

(L. C. 38 ans)





**1925**

(L. C. 38 ans)

**Pessac  
Cité Frugès**

**Banc d'essai  
des standards  
de la série  
des groupements**

**۱۹۲۵**

(لوکور بوزیه در سن ۳۸ سالگی)

**پساک  
کوی فروژس**

طرح استاندارد خانه‌های  
سریالی بصورت گروهی.



## آسمان‌خراشها!

### رنگ آمیزی:

موقعیکه ردیفهای منازل یک توده عایق را بوجود می‌آورد ما هر خانه را ساخته‌ایم؛ رنگ نماها بطرف خیابان متناسبًا قهوه‌ای و سفید بود.

یک درجه‌انبوی سفید و دیگری سبز کم رنگ، تلافی سبز کم رنگ یا سفید با قهوه‌ای تیره باعث کاهش یافتن حجم (وزن) می‌شود و میزان سطحها را بسط و توسعه میدهد.

این رنگ آمیزی کاملاً جدید می‌باشد و طریقه‌ای است منطقی و اصولی. این طریقه موجب عناصری یا چهره‌ای فوق العاده قوی در هماهنگی معماری می‌گردد.

تقسیم‌بندی پساک بی‌اندازه فشرده است. خانه‌های خاکستری رنگ سیمانی حجمی فوق العاده فشرده و بدون هوا بوجود می‌آورد.

رنگ قادر است برای ما فضا تولید کند.

در نظر گرفتن رنگ بعنوان بوجود آوردنده فضا؛ ما نکات مهم را باین ترتیب برآورد نموده‌ایم: بعضی از نماها بر رنگ خاک پخته منطقه سین (Sienne) رنگ آمیزی شده است.

ما خانه‌ای ردیفی را در قسمت عقب و دور استفاده قرار داده‌ایم. هدف: بوجود آوردن آبی کمرنگ است و بعضی از قسمتها را با برگهای درختان با غچه‌ها و جنگل هماهنگ ساخته‌ایم. هدف بوجود آوردن نماهای سبز رنگ پریله.

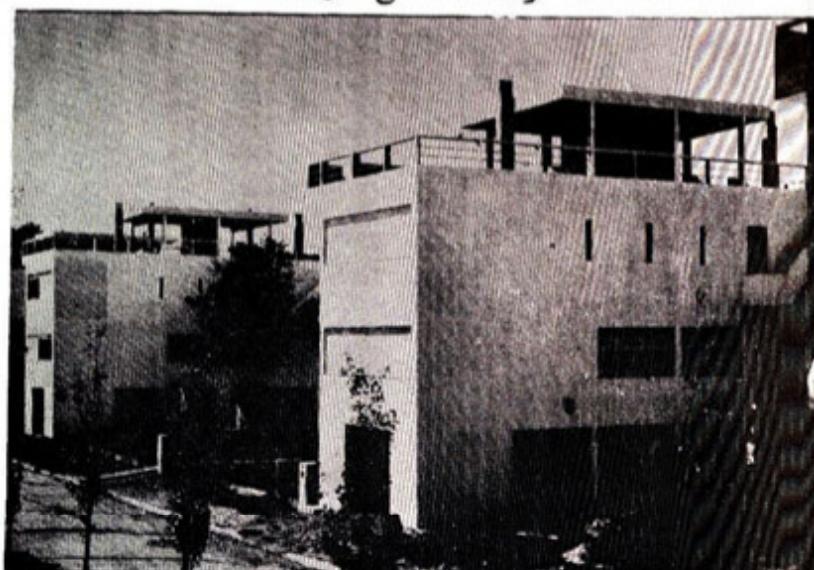
«در اشتوتگارت دو تیپ خانه کاملاً مختلف احداث گردیده است. یکی مطابق است با شیوه زندگی آزاد از هر گونه ترتیبات مصنوعی که نتیجه‌ای است از مطالعات ده ساله پیرامون تیپ موسوم به «سیتروهان» نمو نه دوم از همان شیوه پیروی می‌کند اما با فرمی دیگر. سالن بزرگ با حذف جدارهای اضافی بدست آمده که فقط در مدت شب بمنظور تبدیل خانه یک «اسلپینگ - کار» (Sleeping-Car) مورد استفاده قرار می‌گیرند.

در جریان افتتاح این کوی خانه‌ای مزبور بهانه‌ای بود برای مطرح ساختن مسأله پنج هدف یک معماری مدرن.

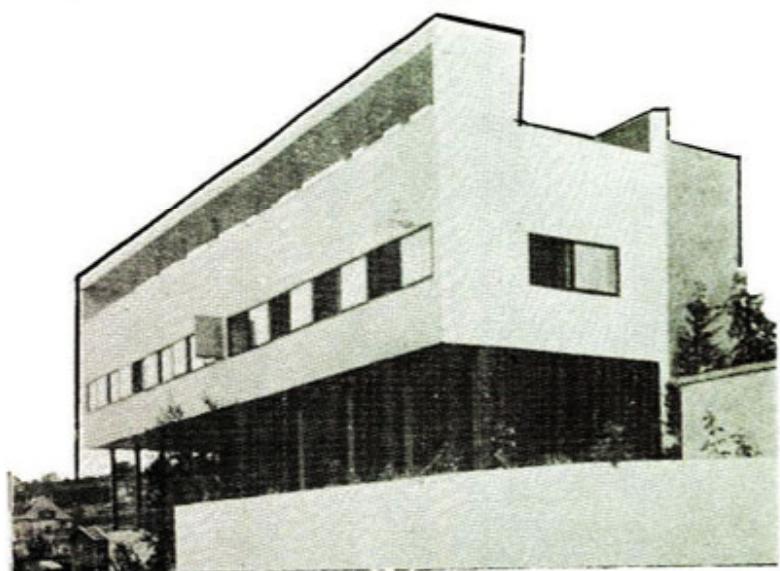
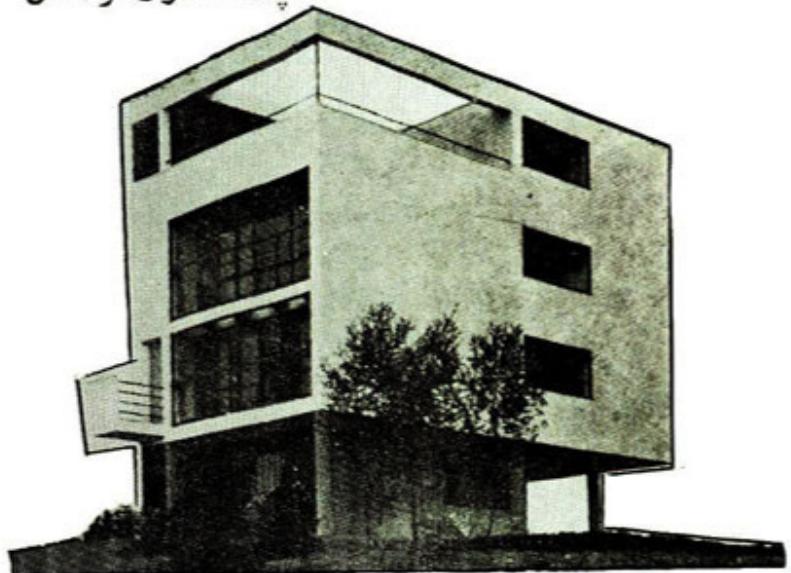
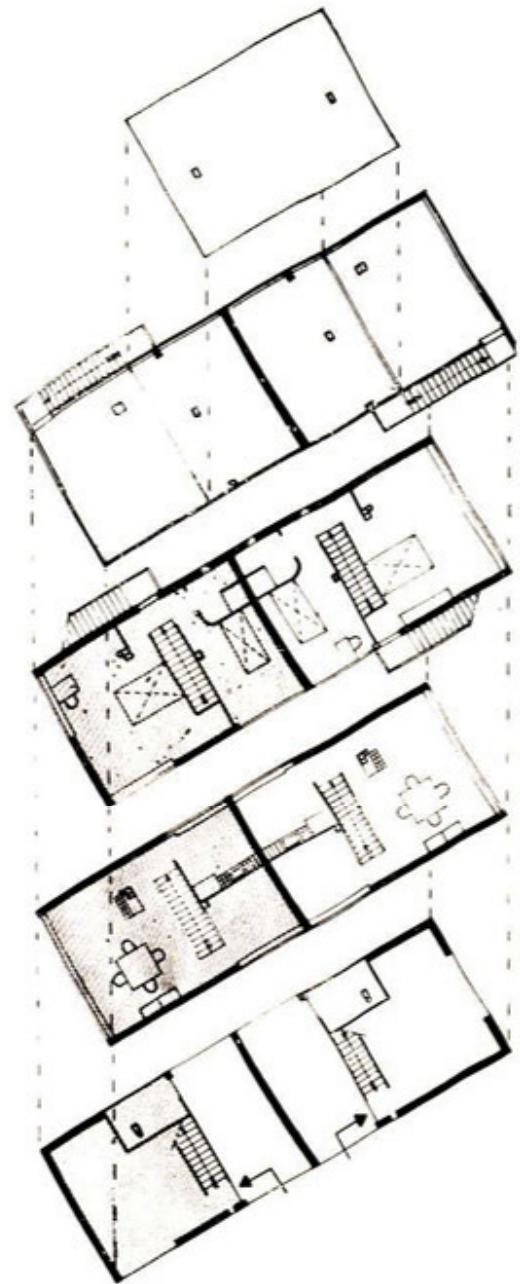
«پساک، نمونه‌ایست از شهر سازی مدرن که در آن خاطرات تاریخی و خانه‌جوبی سویی یا آلسی ای بفراموشی سپرده می‌شود. یک روحیه که فاقد احساسات شاعرانه است برای حل مساله‌ای کاملاً مشخص بوجود آمده است.

«پساک از سیمان مصلح ساخته شده، چون آقای فروتس یک کارخانه سیمان در شهر بوردو دارد و گفته بود: «مایلم بشما امکان بدهم که تئوریتان را بکار ببرید»

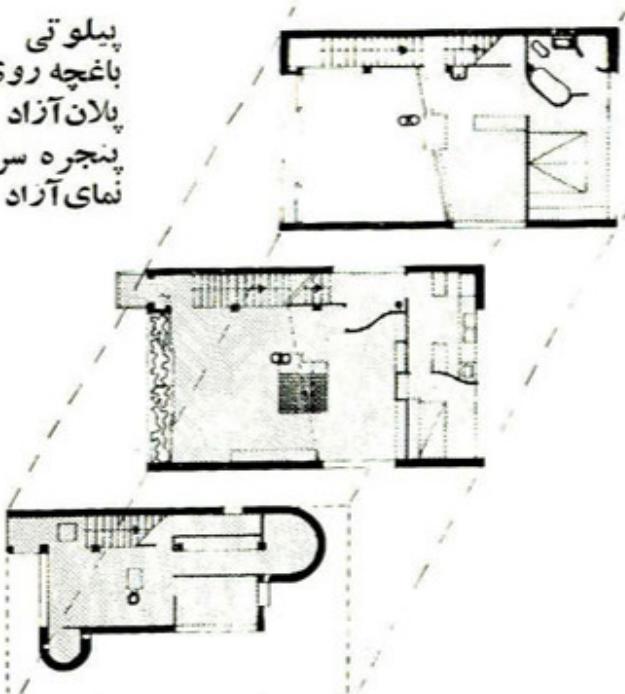
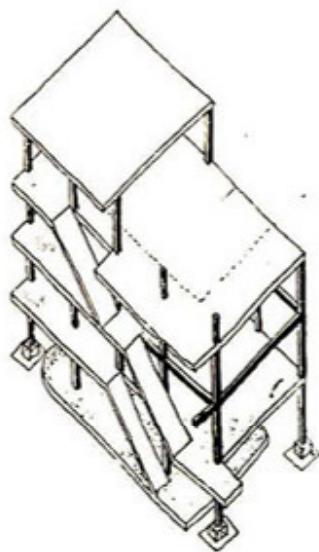
هدف: ارزانی  
امکانات: سیمان مسلح  
متقد: استاندارد کردن و صنعتی نمودن،



پساک - کوی فروز



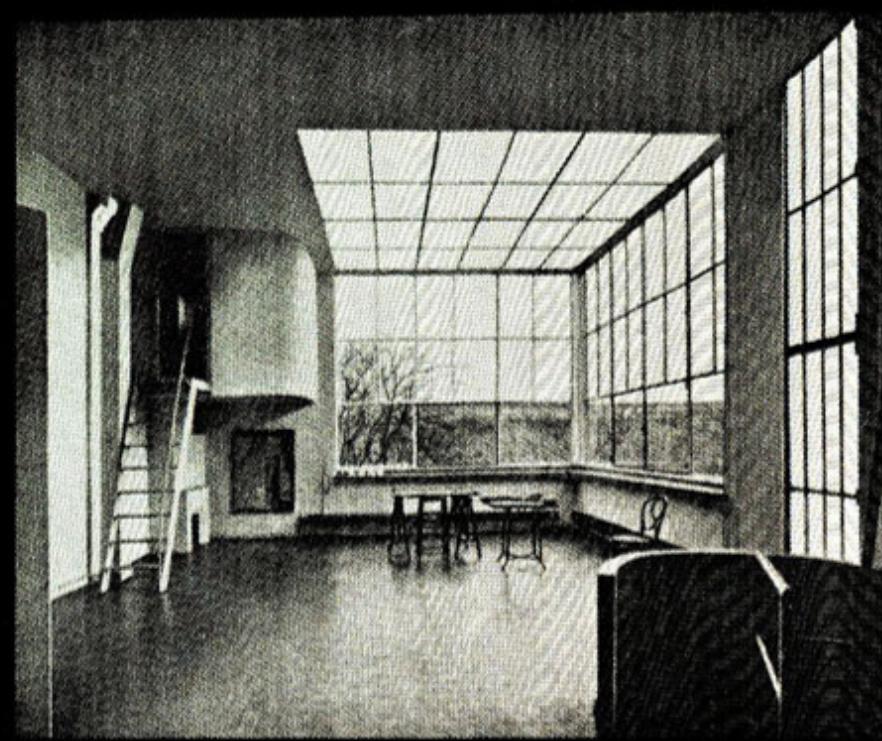
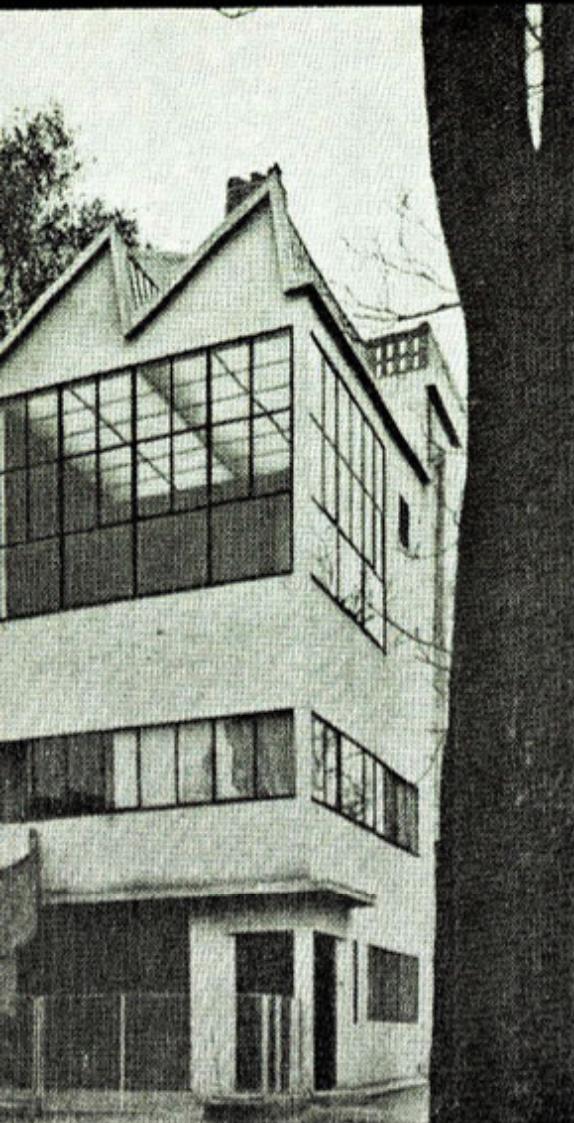
پیلو تی  
باغچه روی سقف  
پلان آزاد  
پنجره سرتاسری  
نمای آزاد



1<sup>st</sup> type.

اوژنفان پاریس ۱۹۲۲

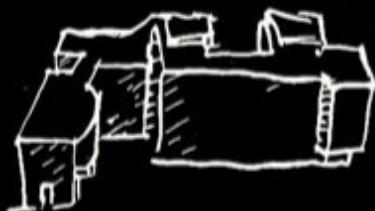
Ozenfant, Paris. 1922



Habitations particulières

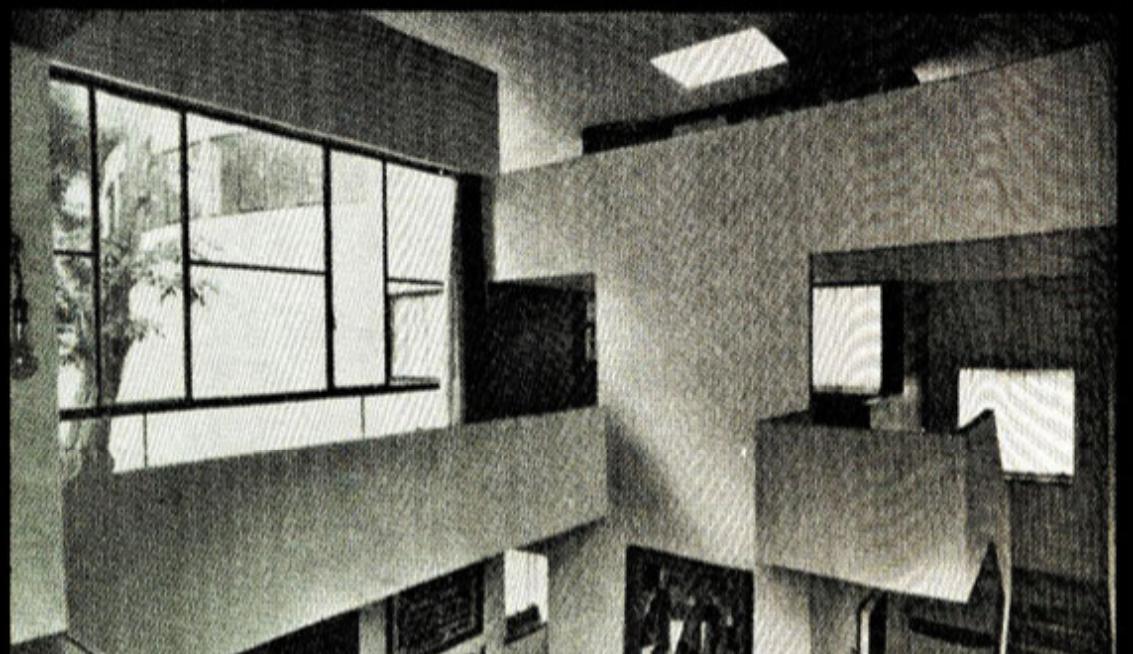
les maisons blanches. 1922-1927

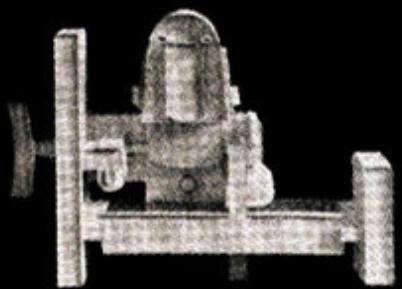
لاروش - «اتوی» (پاریس)



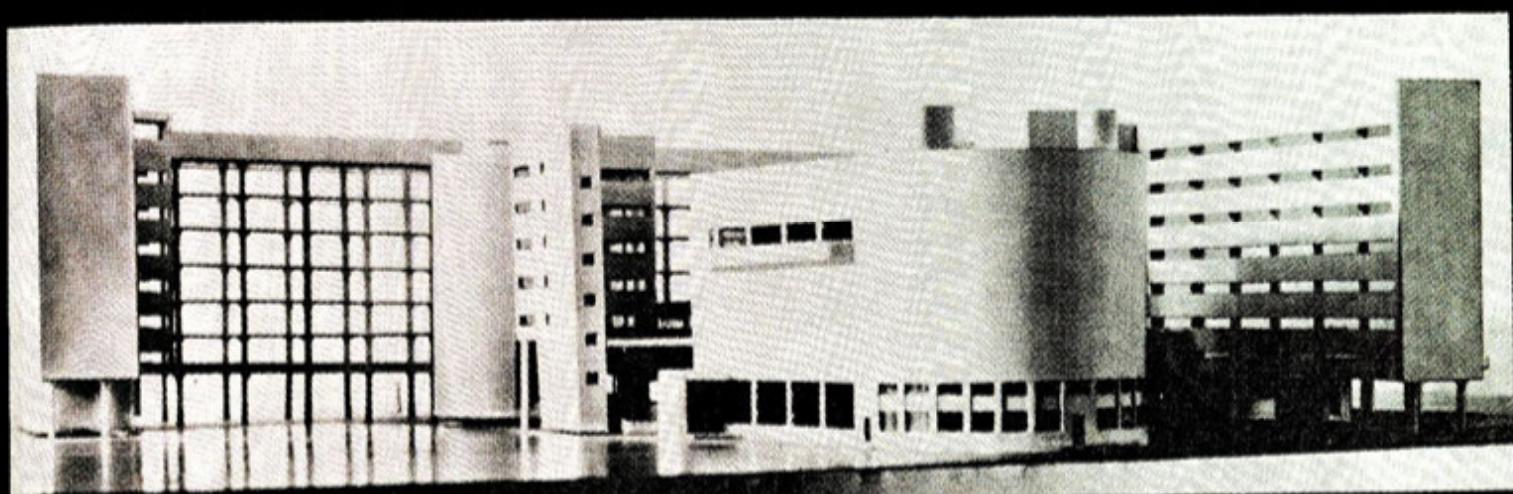
خانه مسکونی خصوصی  
معروف بخانه‌های سفید ۱۹۲۲ - ۱۹۲۷

La Roche, Auteuil. 1923

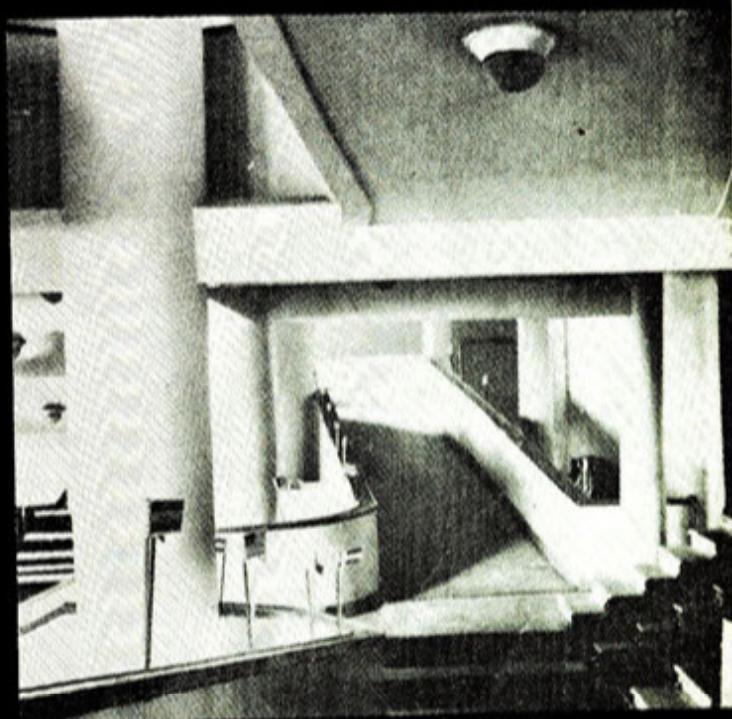
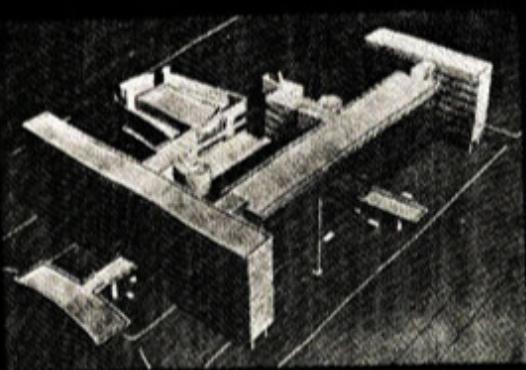


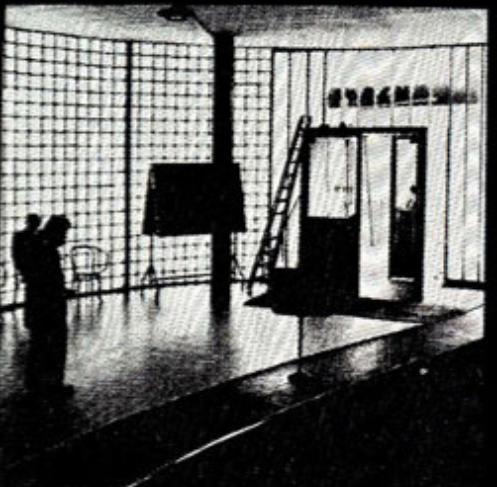
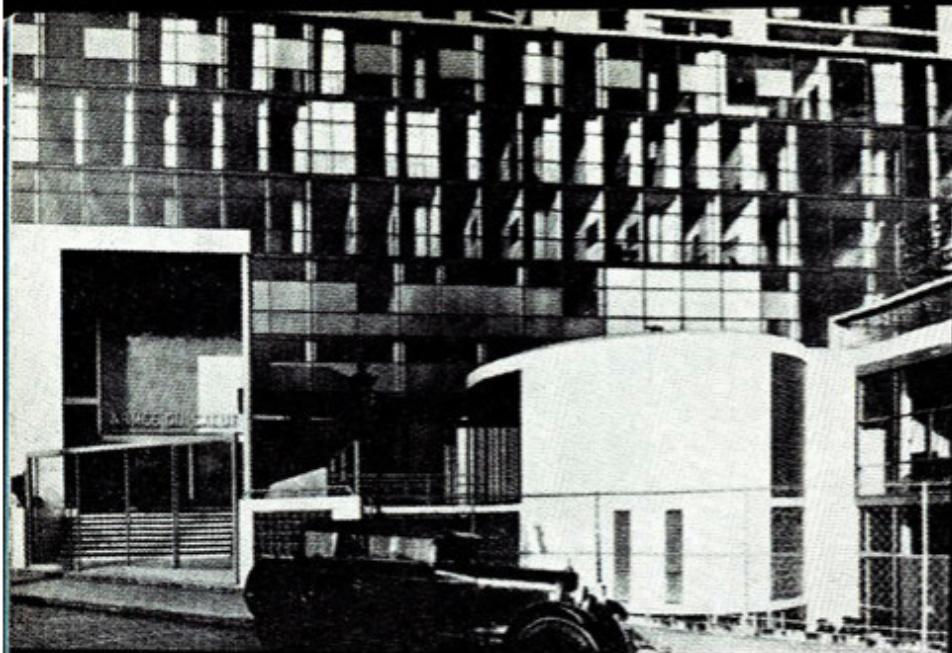


کاخ مرکزی جمهوریها، مسکو ۱۹۲۳



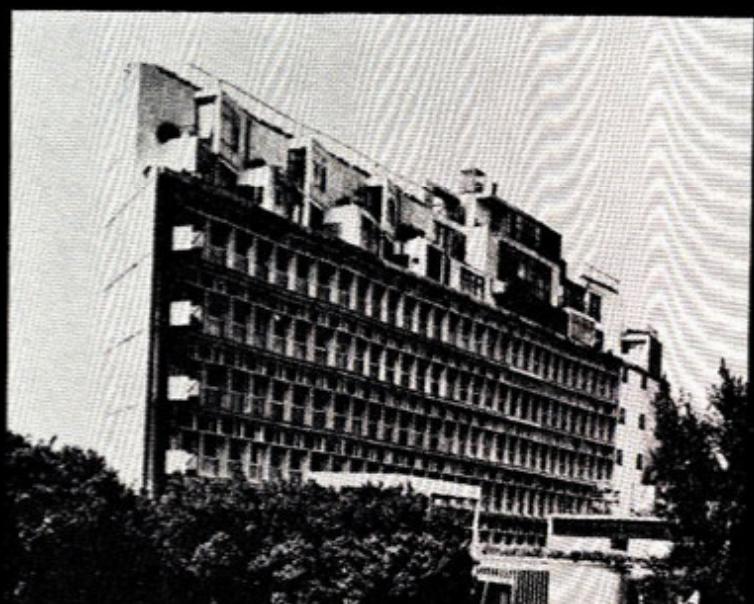
Palais du centrosoyus, Moscou. 1928





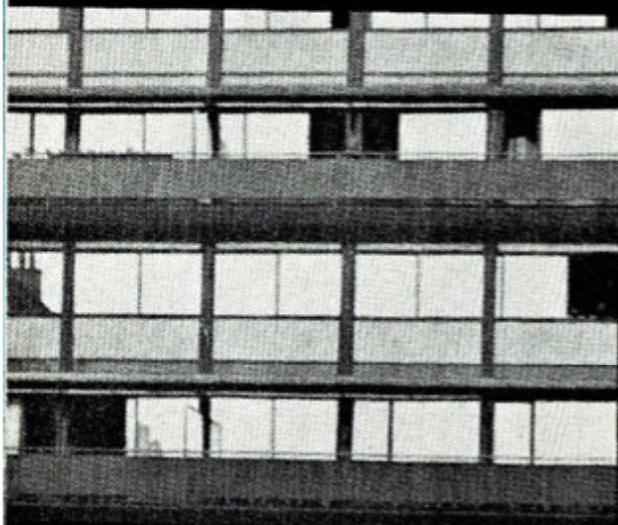
Cité du refuge, Armée du Salut, Paris. 1931-33

ساختمان سپاه



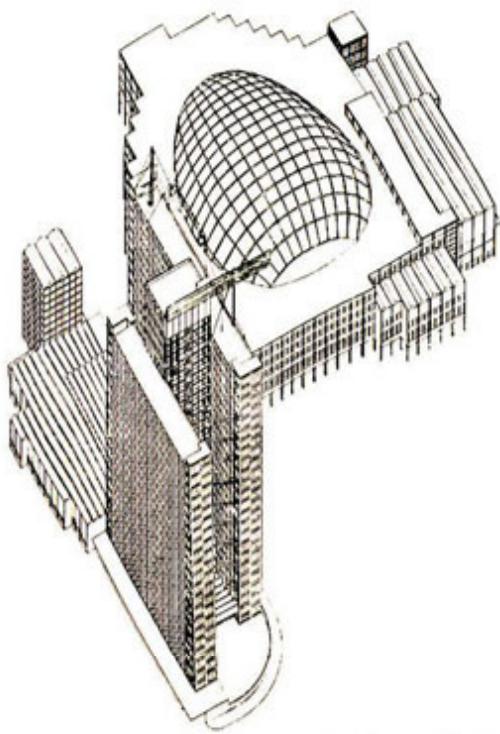
Immeuble Clarté, Genève. 1930-32

ساختمان روشنائی - ژنو ۲۲ - ۱۹۳۰



# 1927 1. Concours pour le Palais de la Société des Nations

(L.C. 40 ans)



Projet de Hannes Meyer.

## سال ۱۹۲۷

(لوکوربوزیه در سن ۴۰ سالگی)

### ۱- مسابقه برای کاخ سازمان ملل

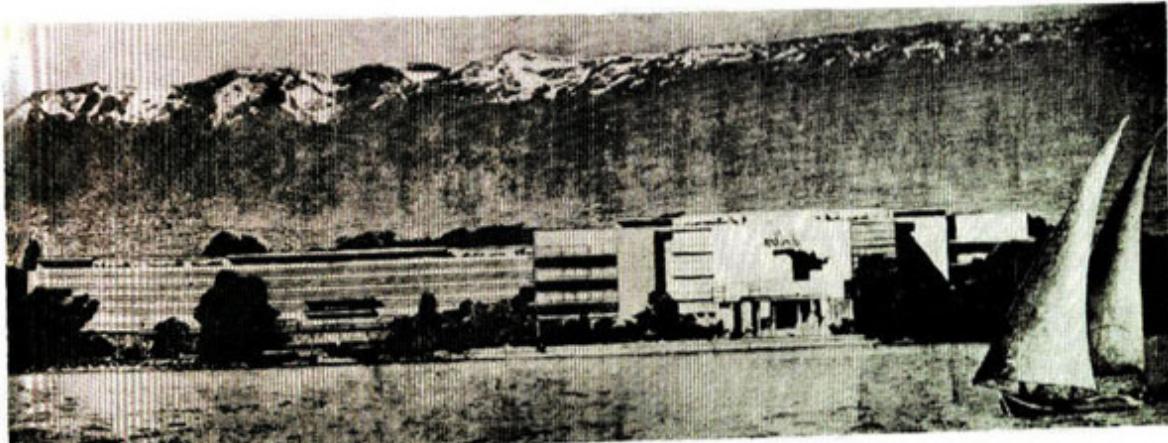
این مسابقه در آوریل ۱۹۲۶ شروع و در آوریل ۱۹۲۷ داوری شد.

هیأت داوری مركب بود از کشورهای فرانسه، اسپانیا، انگلستان، ایتالیا، اتریش، سوئیس، سوئد، هلند و بلژیک.

مطالعات ده هفته بطول انجامید. هیئت داوری نظرداد که مسابقه مزبور نتیجه‌ای نداده بود که بتواند اجرای یک طرح را ممکن سازد.

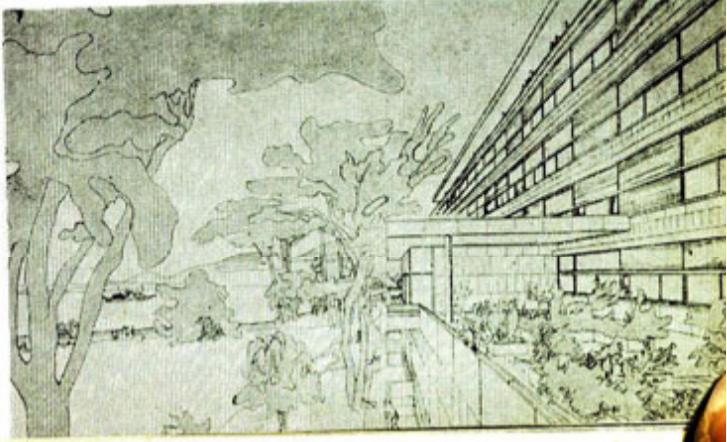
سازمان ملل کارها را ادامه داد و در تاریخ

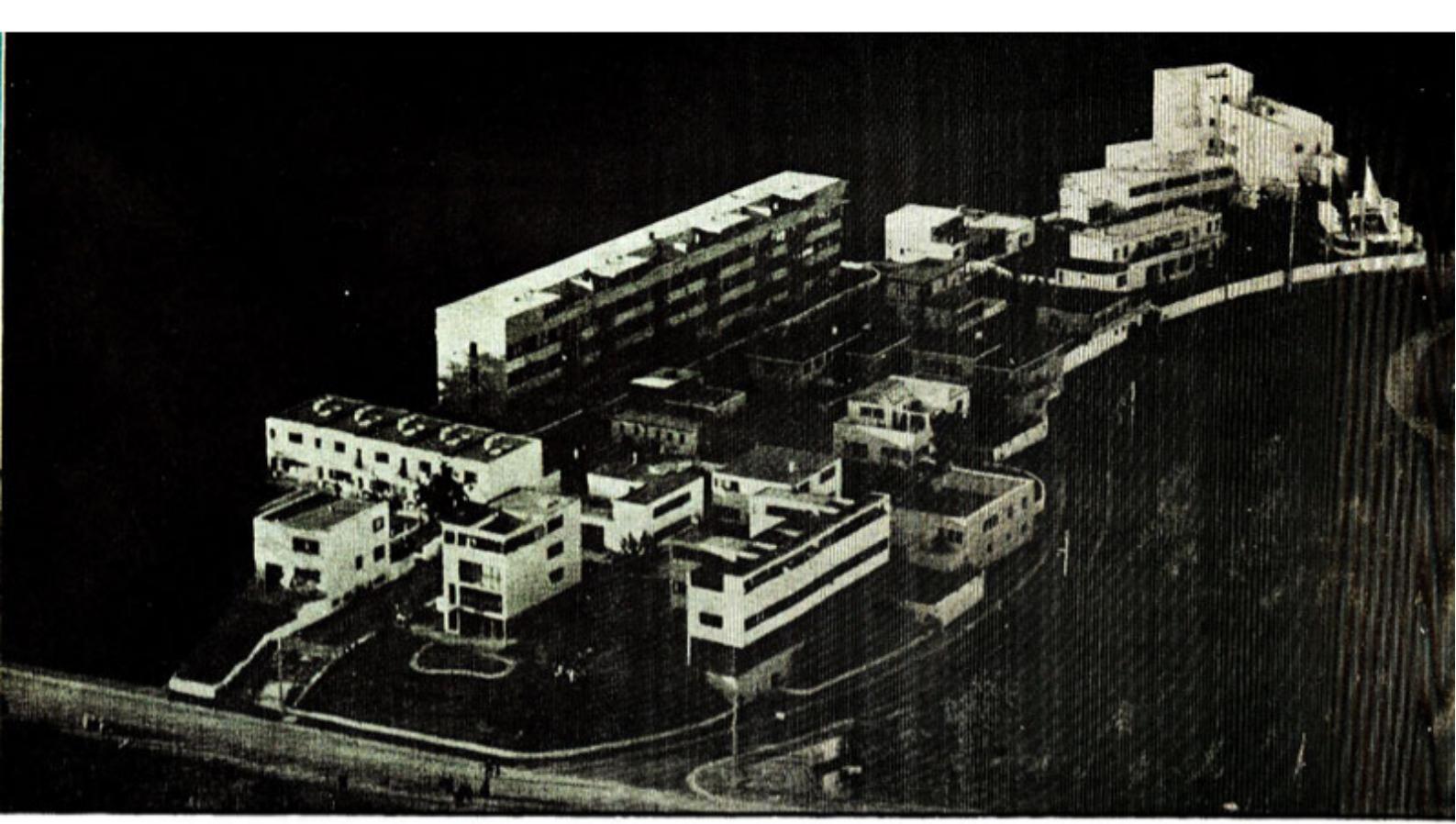
۱۰ سپتامبر کمیته‌ای مشکل از پنج دیبلمات از ڈاپن، چکسلواکی، یونان، کلمبیا و انگلستان ترتیب داد که در تاریخ ۲۲ دسامبر پروژه «نووفلگن‌هایمر» را بهترین تشخیص داد اما با اصلاحات زیاد.



Projet soumis par Le Corbusier pour ce concours

پروژه ارائه شده از طرف لوکوربوزیه





**سال ۱۹۲۷  
لوكور بوزيه درسن ۴۰ سالگی)  
شهر وايسن هف در  
اشتوتگارت**

شهر اشتونگارت باعث بر ملا ساختن شیوه های فنی و تمايل بزیانی گردیده است، اما عقاید عمومی را بسی دسته مخالف تقسیم نموده زیرا یک طرح مدنی خانه سازی در اینجا ملزم نگرددیده بود. ما با استفاده از امکانات جدید فنی کوشش نموده ایم طرح جدیدی را بوجود آوریم. اگر گاهی دارای طرح مسکونی است بدان جهت است که تحول اجتماعی آن ثابت مانده و تعادلی وجود داشته باشد.

ساختمان کوی - با غچه های «وايسن هف»  
توسط چهارده معمار مشهور در سال ۱۹۲۶ در

**2° Exposition du Werkbund :**

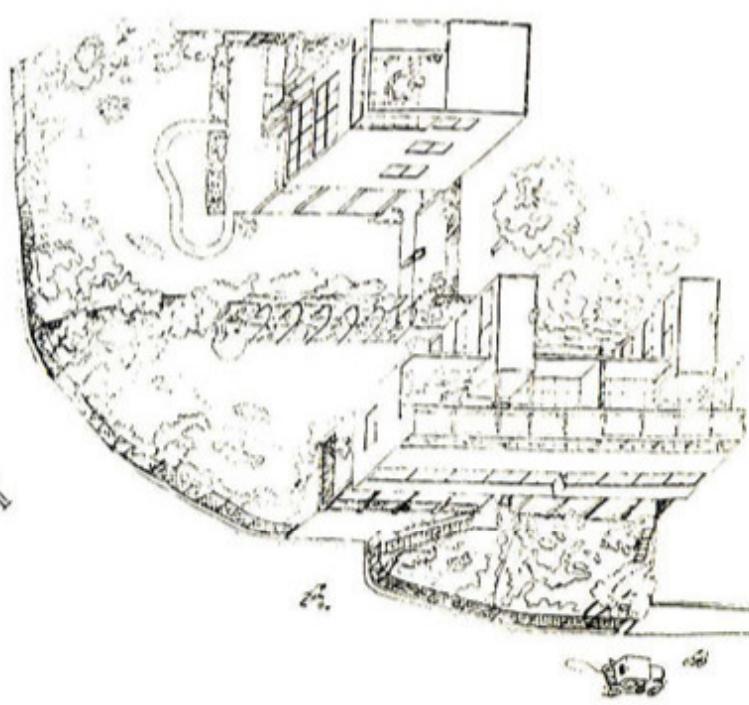
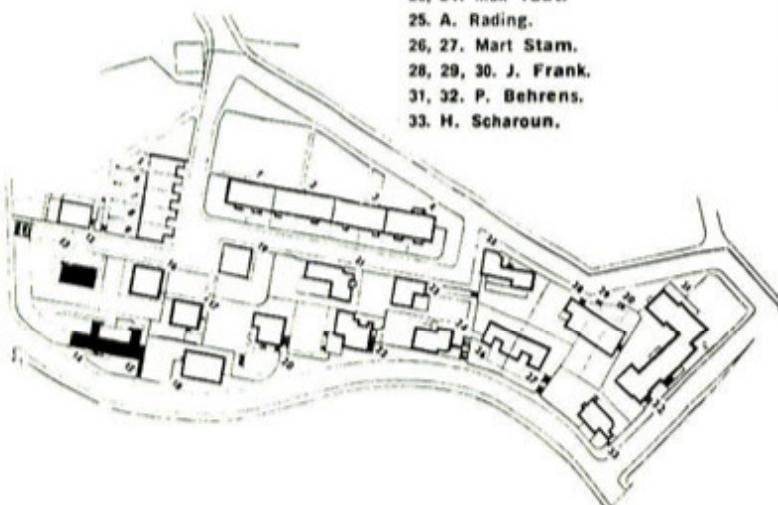
# La cité Weissenhof à Stuttgart

## La confrontation

# 1927

(L. C. 40 ans)

- 1, 2, 3, 4. Mies van der Rohe.
- 5, 6, 7, 8, 9. J.J.P. Oud.
- 12. Adolf Scheck.
- 13, 14, 15. Le Corbusier.
- 16, 17. Gropius.
- 18. L. Hilberseimer.
- 19. Bruno Taut.
- 20. H. Poelzig.
- 21, 22. R. Doecker.
- 23, 24. Max Taut.
- 25. A. Rading.
- 26, 27. Mart Stam.
- 28, 29, 30. J. Frank.
- 31, 32. P. Behrens.
- 33. H. Scharoun.

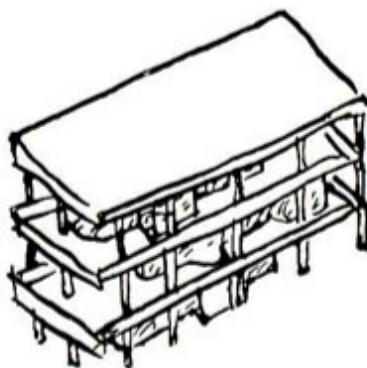
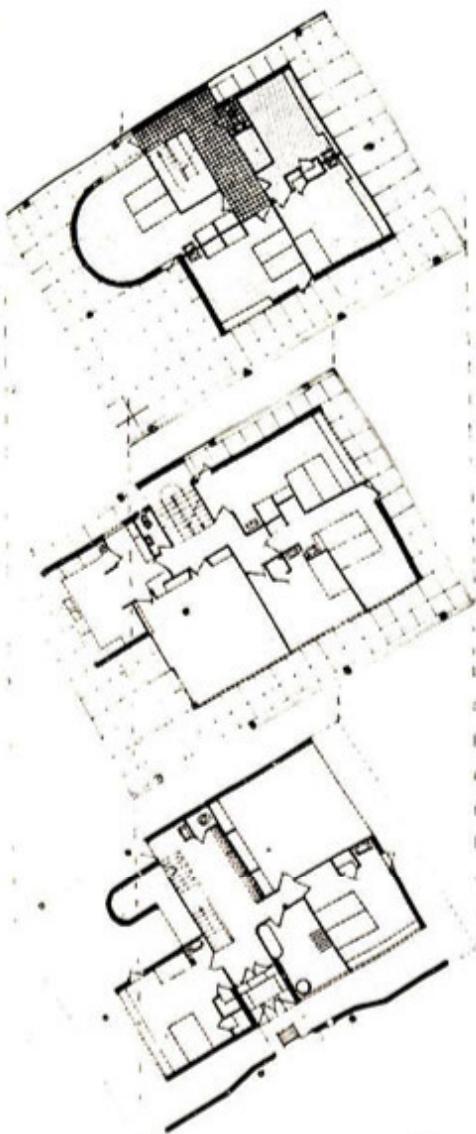


# 1929

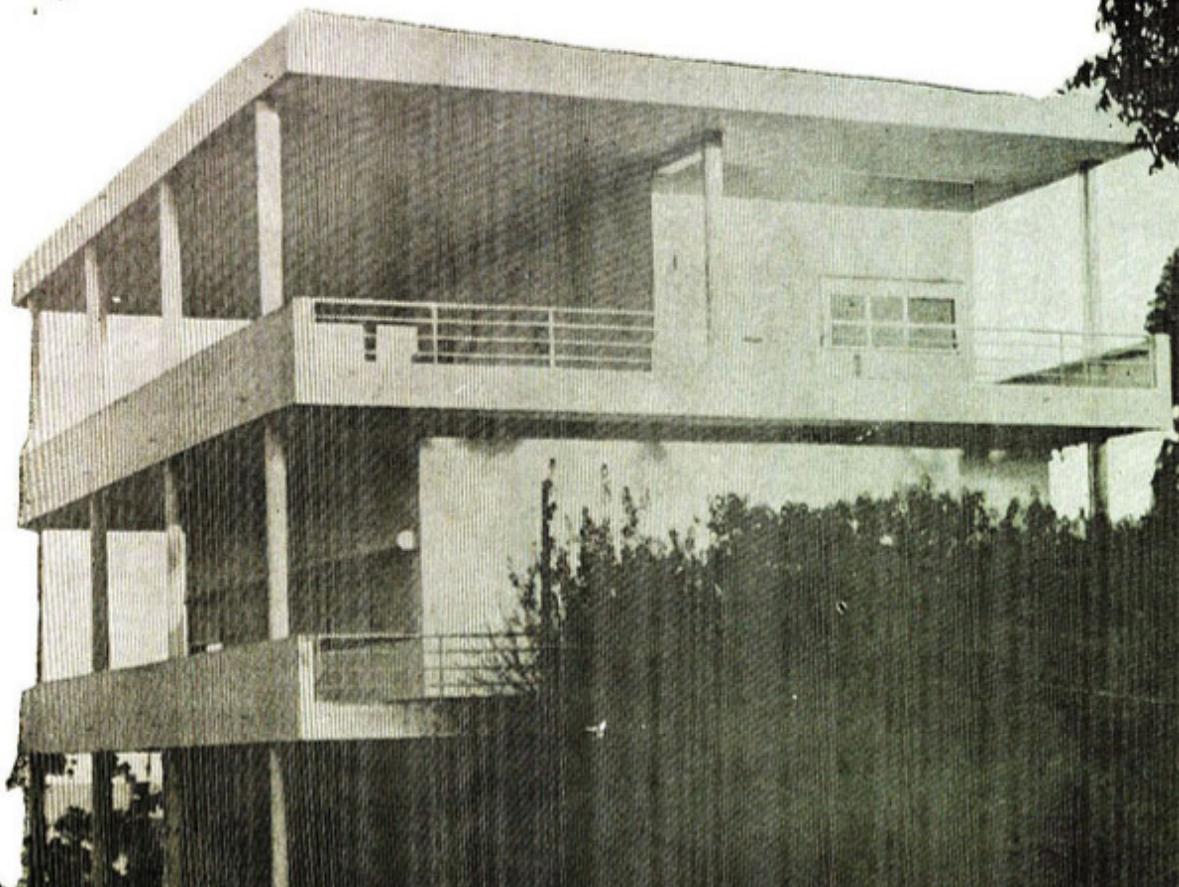
(L. C. 42 ans)

## Villa à Carthage, Tunisie

L'éclatement



*très facile,  
matière  
combinable*



سال ۱۹۲۹

(لوکور بوزیه در سن ۴۲ سالگی)

## ویلا در کارتاژ (تونس)

ویلا در کارتاژ یک گام اساسی در پیدایش آثار «لوکور بوزیه» میباشد و پایان خانه‌های است که از تپ «سیتروهان» ساخته شده بود. در طرح اولیه اگرچه سقف مکعب معمولی محفوظ ماند و اگرچه تمامی حجم بحال خود باقیمانده است اما فضای داخلی با بر جستگی بیشتر بصورت نما درمی‌آید.

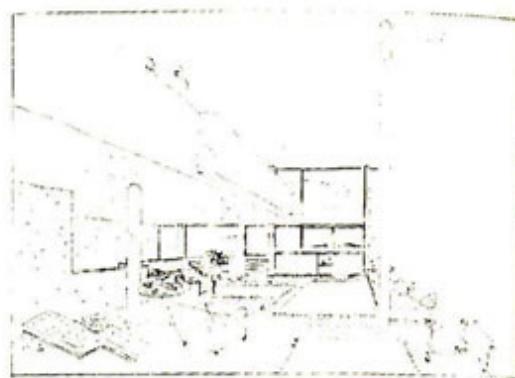
بندی است که سایه را روی اطاقها منعکس می‌سازد. از طبقه هم کف تا طبقات بالا، سالنها به هم‌دیگر مربوط مشوند و یک جریان باد دائمی را بوجود می‌آورند. این طرح بمورد عمل در نیامده است.

طرح دوم (که اجرا شد). مقطع دارای چنین کیفیتی نمی‌باشد. اصول اسکلت بندی که چندین کف را حمل می‌کند جالب می‌باشد و همان اصول پلانی است که در گارش (Garches) بوجود آمده اما از طرف دیگر تنها پایه‌ها در یرون، یک پوشش منظم را ترسیم می‌سازد در حالیکه هر طبقه در داخل از این پایه‌ها یک فرم کامل‌منطبق با وظایف مورد نظر بوجود می‌آورد و فرم‌های بسیار متنوعی در هر طبقه ایجاد می‌کند و تعدادی تراس برای بوجود آوردن سایه در اطراف آنها ترتیب یافته است.

در قسمت احداشی سقف مکعب بحال بالقوه درمی‌آید و بصورت یک سیستم سه ستگنفرشی که یک اسکلت بندی قابل رویت و منظم آنرا حمل می‌کند باقی می‌ماند. در میان این طرح‌های افقی حجم‌های مسکونی طبق احتیاجات بطور آزاد ترتیب می‌باشد. مقاصل آنها از بیرون قابل رویت است.

یک کادر خشن محتوی فرم‌های آزاد. اینست یکی از خصوصیات ترین حالات زیبائی که لوکور بوزیه باز خود بخشیده است.

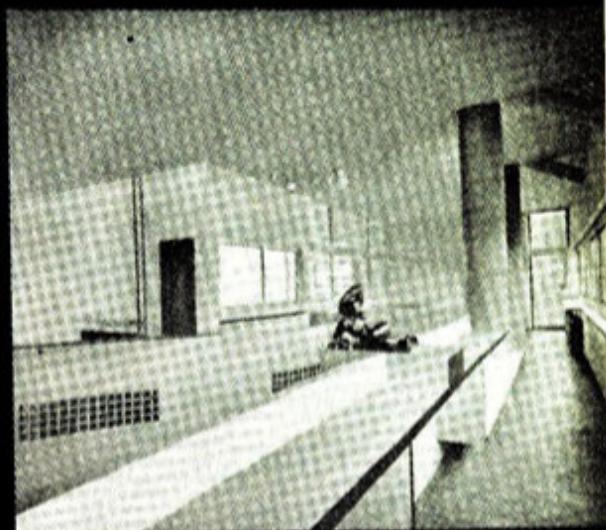
ویلای «هورکلر» در پوآسی کامل نزین و مشهورترین این حالات را دارد. مشهورترین این حالات را دارا می‌باشد. کاخ ریسندگان در احمدآباد بیست سال بعد نمونه دیگری از این حالات بشمار خواهد رفت. مسئله عبارت بود از دوری جستن از آتاب و ایجاد تهویه دائم خانه. برش موجب این راه حل‌های مختلف گردیده است: خانه دارای سایه



1928. Premier projet



استن، «غارش» (نزدیک پاریس) ۱۹۲۷



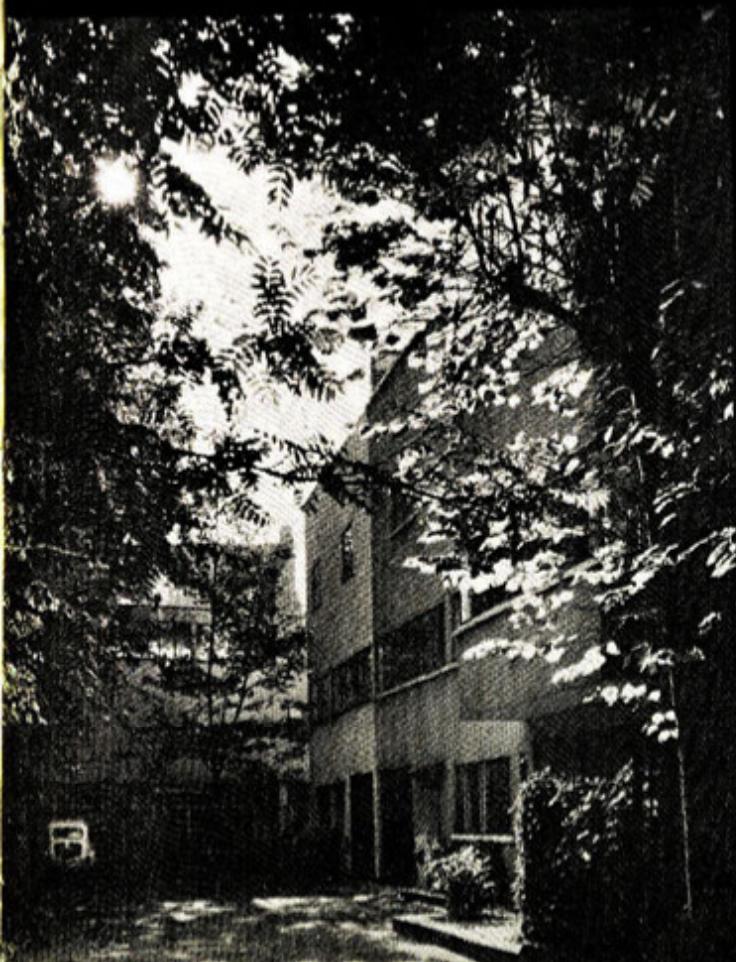
Stein, Garches. 1927



کوک، «بو لونی» (نزدیک پاریس) ۱۹۲۶

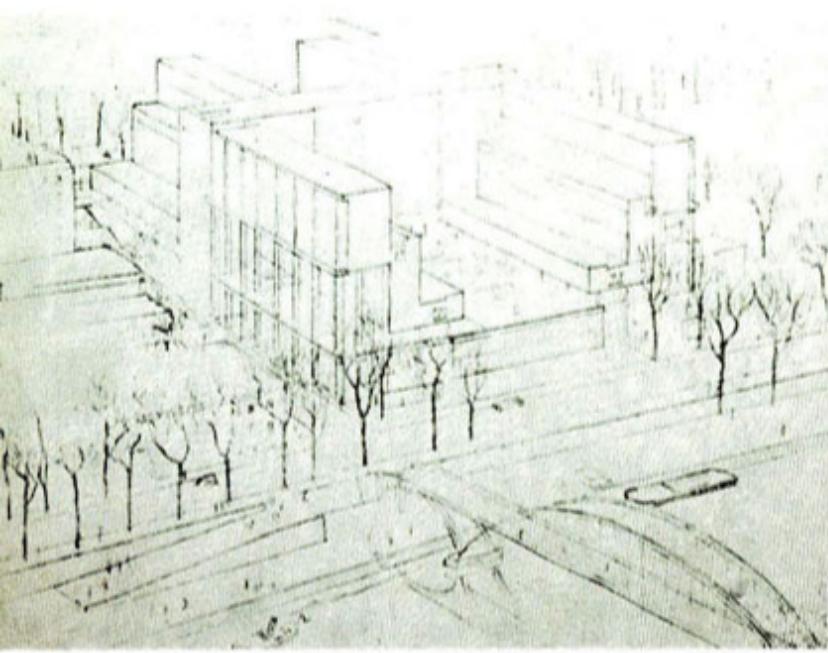


Cook, Boulogne. 1926



# 1935

(L. C. 48 ans)



## 2. Concours pour deux Musées d'Art Moderne

### سال ۱۹۳۵ ۲- مسابقه برای دو موزه هنر مدرن

(لوکور بوزیه در سن ۴۸ سالگی)

شورای نمایشگاه جهانی سال ۱۹۳۷ مسابقات بین معماران فرانسوی برای احداث دو موزه هنر مدرن ترتیب داد که یکی از این دو موزه شهر پاریس و دیگری بدولت تعلق داشت «ما یعنی پخش فعال و با ایمان این مملکت نیروهای خلاقه حرفه ای و نیروهای ابتکار آمیز - که میکوشند تا در کوچکترین شیوه مورد نیاز، لذت عناصر زندگی کنونی - که فلسفه ذمان حاضر است - بوجود آورند.

ساراگول زندن زیرا فهرست برندگان مسابقه برای ساختمن موزه های شهر و دولت باین گرایش اشاره ای نمیکند و توزیع وافی «جوائز» ارقامی معانی زیادی در بردارد. در فهرست مزبور و برای بعضی از طرحها پیشتر توجهات بزیانی مدرود شده است.

یک مسئله غیرقابل تصور میباشد و آن ترتیب دادن یک مسابقه بدون داوری اشخاص ذیصلاحیت است که در شرایط معین وارد اماکن میشود. هر یک از دو موزه از بدو ورود آن یک مجموعه موزنگر افیکی مداوم میباشد. عبور و مرور بطور لاپقطع در روشنایی کامل که از پلانهای مورب حاصل میشود صورت میگیرد. در آنجا پلکان وجود ندارد.»

داشت.

از طرفی موزه یک سمعونی کامل معماري است: دیدگاههای غیرمتوجه باشکوه و جربان وارد بکرات چشم که تمامی قسمت داخلی اماكن را در بر میگیرد.  
دو موزه باید کاملا از هم دیگر مجزا باشند.  
اما تمام اماكن دست بدست هم داده اند، تا تا قسمتهای مختلف دا بوجود بیآورند.  
در پایان، لازم بذکر است که طرح حجم های ساختمانی در قسمت بیرونی باید دارای خصوصیات معماري متنوع بوده و ارزش فضای آزاد را نشان دهد.»

### پروژه لوکور بوزیه - ژانره

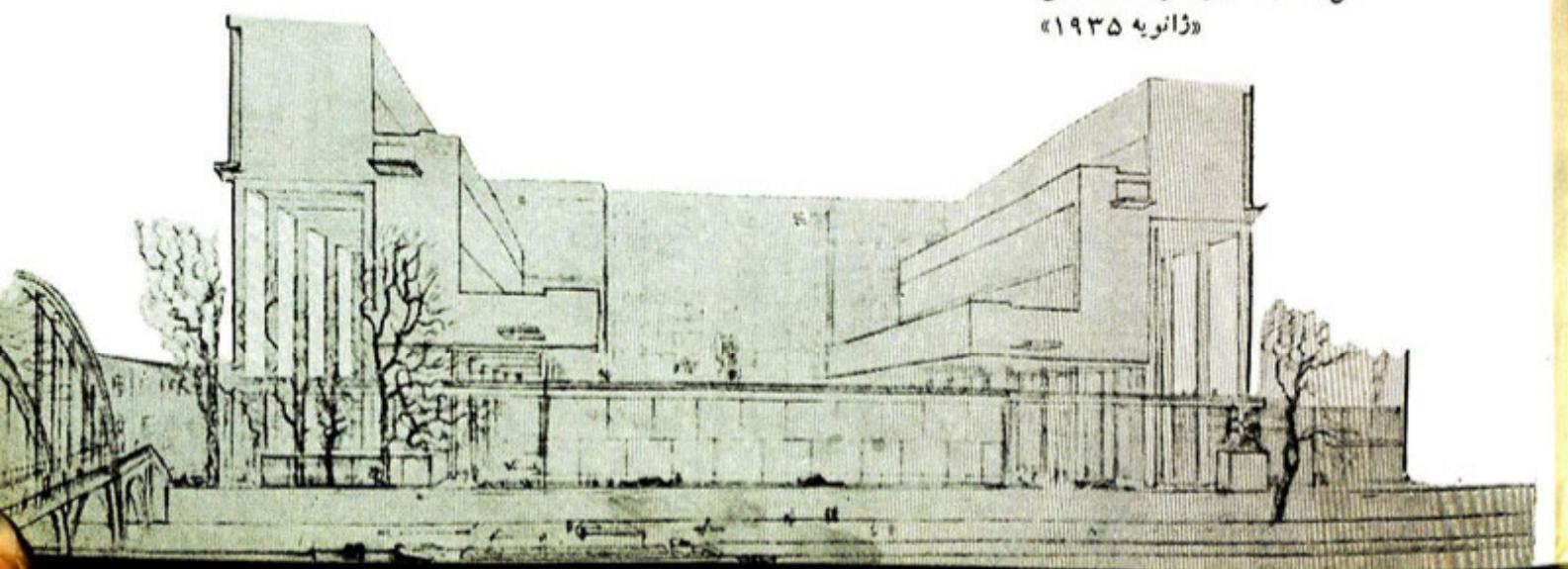
«طریقه شناختی با فیزیکی صدابراي سالنهای کنفرانس و پخش نور - قانون انکسار نور برای موزه ها، اینست اصول کارا و چند اصل دیگرا

شیوه طرح مورد نظر، تجسس نور آنها

است که در شرایط معین وارد اماکن میشود.

هر یک از دو موزه از بدو ورود آن یک مجموعه موزنگر افیکی مداوم میباشد. عبور و مرور بطور لاپقطع در روشنایی کامل که از پلانهای مورب حاصل میشود صورت میگیرد.

لوکور بوزیه  
نقل از مجله آرشیتکتور دو رو دوئی  
۱۹۳۵ «ژانره»



### Projet de Le Corbusier-Jeanneret

## ۱- «هور کلر»

ویلای «ساوا آ» در «پوآسی»

۱۹۳۱-۱۹۲۹

(لوکوبوز به در سن ۴۲ سالگی).

«هور کلر» که ادامه ویلای کارتاو در پشت

خانه «سفید» میباشد عبارتست از:

- بیان یک تسلط کامل به حرفه معماری

- برتری تئوری

- بالاترین تظاهر فکری یک نظام فضائی.

با اینحال در یک طرح دقیق کلیه خصوصیات  
تئوریکی که لوکوبوزیه میخواهد در معماری  
جمعی بوجود آورد خودنمایی میکند.

ونورفضاهای رفت آمد و جایگاه مخصوص  
اتومبیل بخوبی نشان میدهد که این خانه بهانه‌ای  
نیست برای تحقق بخشیدن طرحهای بمقیاسی  
بزرگتر.

بر عکس خوابگاه دانشجویان سویس و  
کاخ شوراها که بناهای سمبولی معماري معاصر

## هور کلر

جو انب منظم خانه قرار دارند بهم متصل بوده و  
همگی در زیر یک با غچه روی سقف که حکم  
 تقسیم کننده نور بیرون را دارد قرار دارند.  
 دیوارهای شیشه‌ای گردان سان و چندین  
 اطاق خانه بروی با غچه قرار دارند، با این ترتیب  
 آفتاب از همه طرف بقلب خانه وارد می‌شود.  
 از با غچه معلق یک رامپ بسقف منزل متنهی

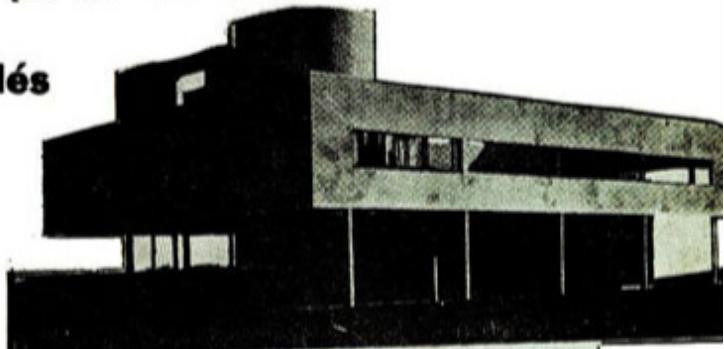
۱.

## Les Heures Claires

Villa Savoye, Poissy

1929-31 (L. C. 42 ans)

Les œuvres-clés



Les Heures Claires, Poissy

میباشد این اثر با اسم ورسم باقیمانده است. میگردد.

«هور کلر» در پوآسی

در این طرح اتو میل از زیر پیلوتی بنا

میگذرد و در اطراف سرویسهای مشترک میچرخد

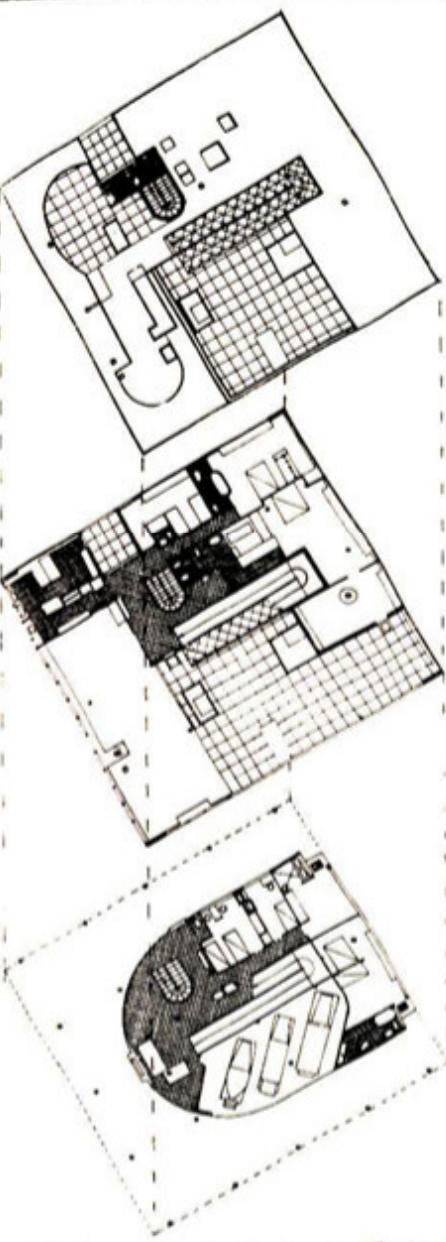
و در بر اردالان در وسط میرسد وواردگار آزمیشود

یا راه خود را برای بازگشت ادامه میدهد.

از داخل دالان یک پلاکان ملایم به طبقه

اول متنهی میشود که مشتمل است بر اطاق پذیرائی،

اطاقهای خواب وغیره. اطاقهای مختلف که در



انتهای آن به محل پایهها و در ورودی خانه و  
دلان و گاراژ و سرویسهای مشترک متصل میشود.  
«ها در هم‌جا جریان دارد و روشنایی به  
هم‌جا وارد و پخش میشود. عبور و مرور تنوع  
بزرگی از نظر معماری بوجود می‌آورد که هر  
بیننده‌ای را به تعجب میاندازد. پایه‌های ساده  
طبقه هم کتف با ترتیبات دقیقی که دارد مجموعه‌ای  
بوجود می‌آورد که مفهوم پیش و پس و چوب خانه  
را از بان بر میدارد.»

از طرفی این سقف از طریق سردهیف پله یک

زیر زمین که در زیر پیلوتی هاقرار دارد متصل میباشد.

«زمین: یک چمن وسیع و برآمده. منظره

اصلی در قسمت شمال است که درجهت معکوس

آفتاب قرار دارد.

خانه بشکل یک جعبه است که پنج چه

سر تا سری در تمام اطراف آن ترتیب یافته است.

از زیر منزل یک راه کوچک میگذرد که در

آثار مهم

## ۲- خوابگاه دانشجویان سوئیسی - کوی دانشگاه پاریس ۱۹۳۰ - ۱۹۳۲

(لوکور بوزیه در سن ۴۳ سالگی)  
برای بوجود آوردن اصالت حجم و معماری  
اصلی و نشان دادن خصوصیات معماري هر قسمت  
از ساختمان تقسیم‌بندی و تضاد در هر ترکیب بکار  
برده شده است.

نمای عناصر خارج از طرح و پژوه اطاقها  
بقسمت پیرون انتقال یافته است. نحوه زینت آنها  
هم پکی نیست این عناصر با تضاد کامل با طرح  
دقیق نهایی بلوك اصلی ترتیب یافته‌اند.

برای اولین بار پبلوی بطور بارز نشان  
داده شده وقطع نظر کامل را بین زمین و حجم  
بنائی بوجود می‌آورد. سیستم زمینی و ساختمانی  
آن در یک جهت ادامه نمی‌پرسد و بیشتر بر قسمت  
حجم نکیه می‌کند. زنگ و مصالح آن - بتن خام -  
این حالت را نمایان تر می‌سازد.

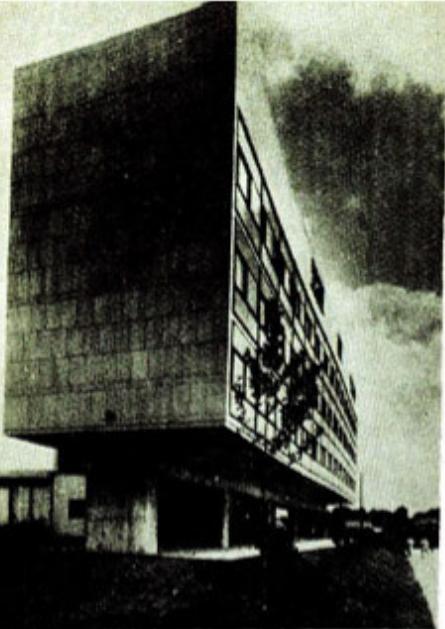
تمام خصوصیات معماري معاصر در این اثر  
گردآمده است.

ساختمان این بنا که در شرایط بسیار مشکل  
(از نظر مالی و موقعیت زمین) صورت گرفت  
فرصتی بود برای ترتیب دادن یک آزمایشگاه  
و اقانی از معماری مدرن: مسائلی بسیار فوری و  
خصوصاً از نظر ساختمانی بكمک سنگ وجود  
آوردن شرایط ضد صدا در اینجا مطرح گردید.

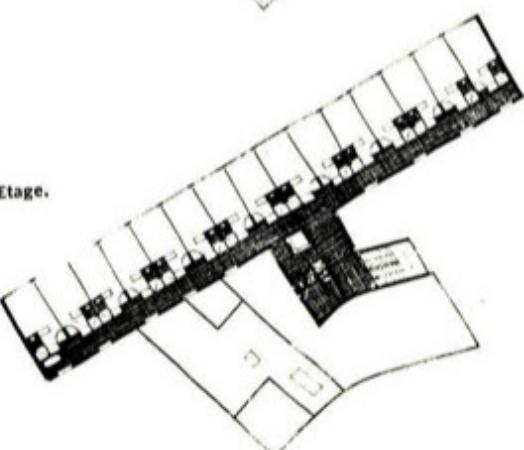
زیر بنایی پر زنگ و پبلوی های بدنه اصلی  
تا عمق ۱۹/۵ متر زیر زمین میرسد. طریقه  
بکار بردن شش پایه، صرفهジョئی زیادی به نسبت  
تمام روشهای معمولی دیگر بوجود آورده است.  
کمی بودجه باعث گردید که کایه ابعاد به حداقل  
کاهش یابد اما با تغیرات عمدۀ درهال و سالن  
کتابخانه حالت یک فضا وسیع را امکان پذیر  
ساخته است.

## 2. Le Pavillon Suisse Cité Universitaire, Paris 1930-32 (L. C. 43 ans)

Les œuvres-clés

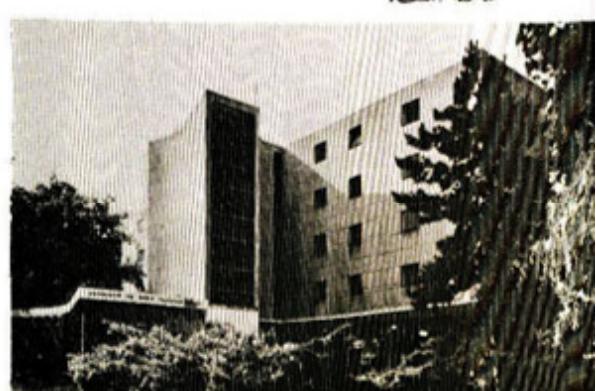


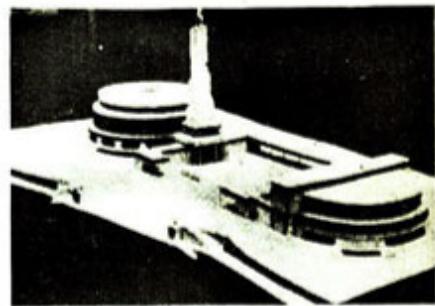
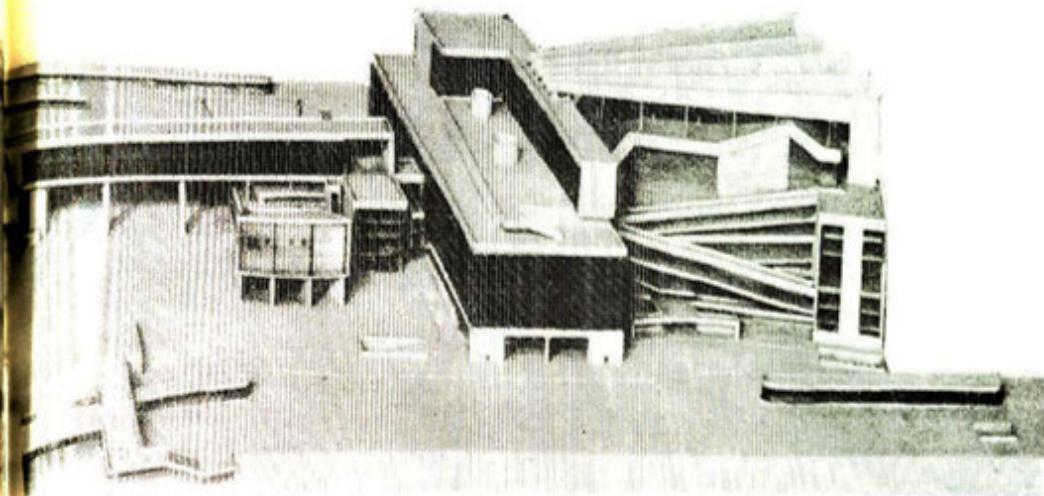
Rez-de-chaussée.



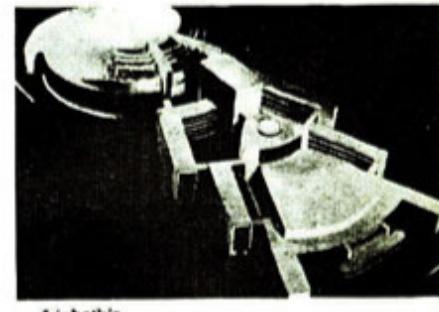
Etage.

Les œuvres-clés

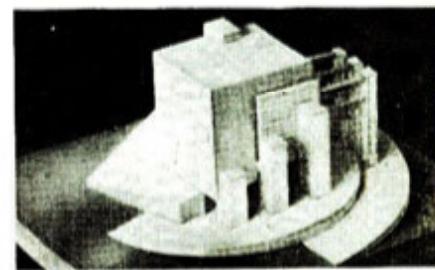




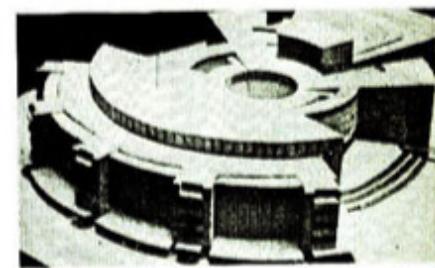
Lofan (premier projet).



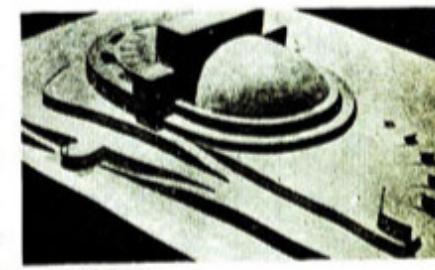
Ljubetkin.



Asnowa (Association des architectes nouveaux).



Gropius.



Mendelsohn.



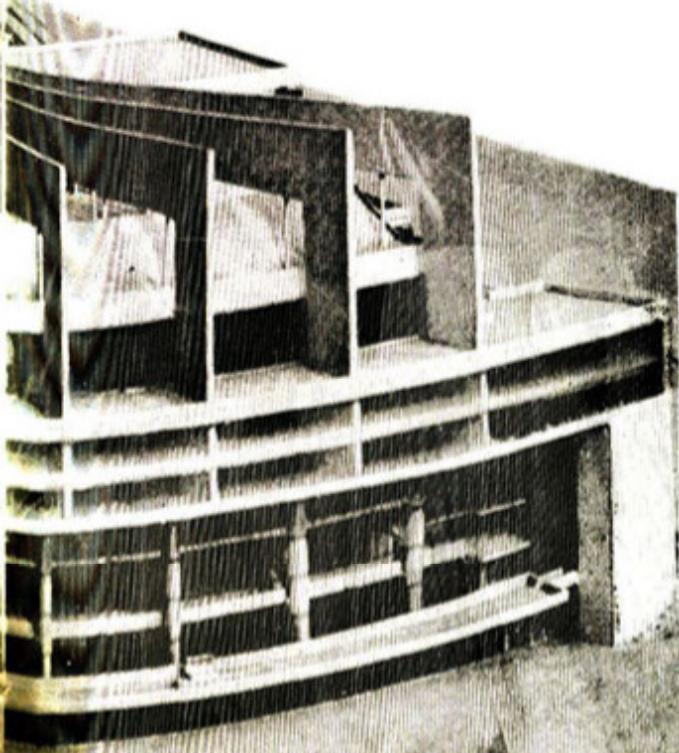
Poelzig.

## Soviets, Moscou

نظام قبول شده و ملزم گردیده همیشه آثار لوکوربوزیه از هبری میکند: سلط بر فضا فقط در قسمت داخلی آزادانه صورت میگیرد. در قسمت بیرونی این سلط همیشه مطیع دستورات دقیق حجمها و توده‌های گنجانیده شده قرار میگیرد.

کاخ شورا این نظام را از میان بر میدارد. توده‌های معماری تا حد نهائی تقسیم بندی شده و میتوان گفت که افعاً از هم متلاشی گردیده‌اند قشرهای بنائی با یک حالت بیان گشته استثنائی ظاهر گردیده‌اند.

این پروژه خصوصیات مکتب فونکویسیو. نالیست‌دا در یکجا گرد می‌ورد و نمایان می‌سازد عدم یکپارچگی و تفکیک عناصر طبق هدفهای مربوطه.

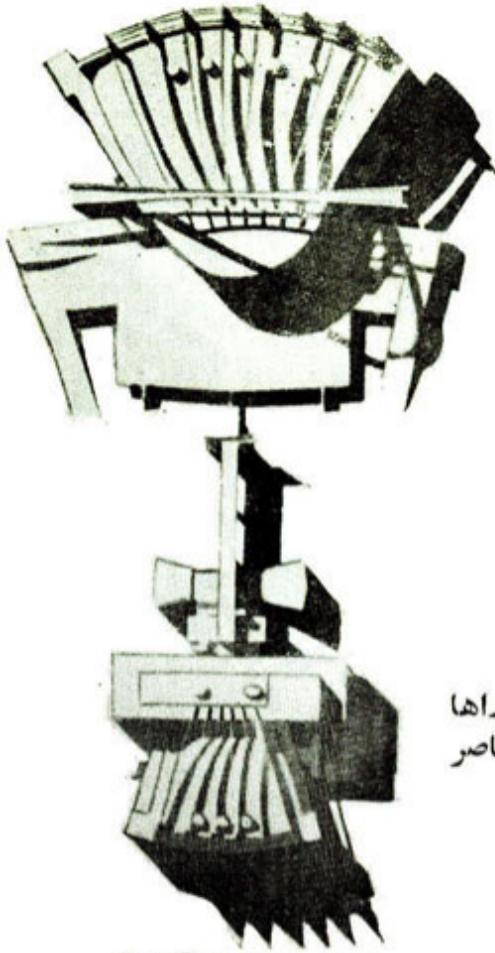


### ۳- کاخ شورا در مسکو ۱۹۳۱

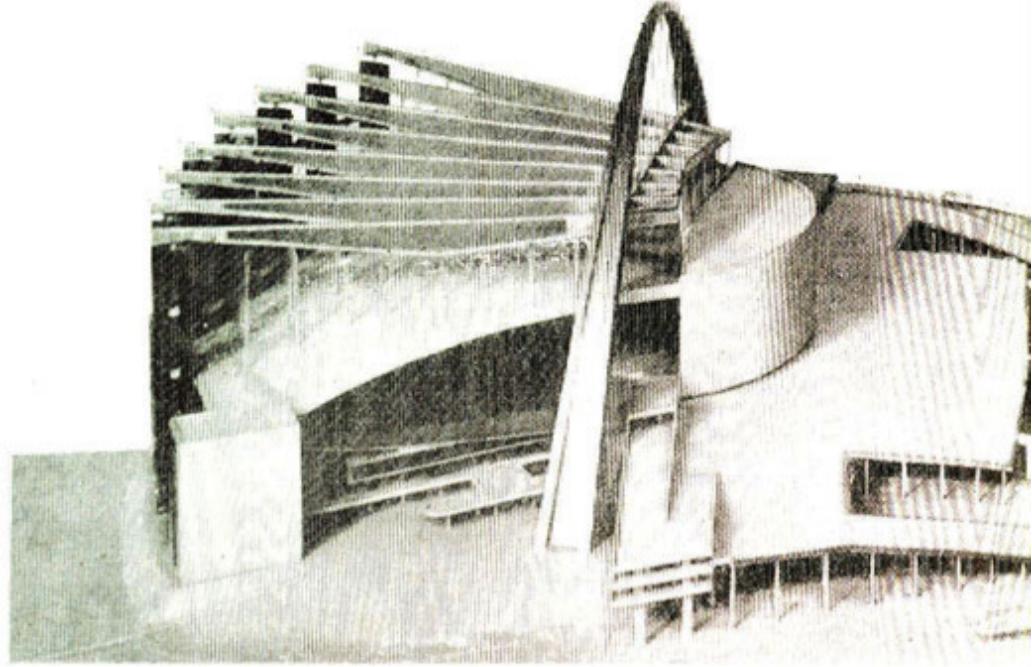
(لوکوربوزیه در ۴۴ سالگی)

کاخ شوراهای بنائی بود برای یادبود برنامه پنجماله (۱۹۳۲) مطالعات ما برای این ساختمان عظیم جهت اجرا در نظر گرفته شده بود که یک انقلاب واقعی در موضوع زیبائی بوقوع بیوست و هنر موسوم به «یونام و رو» را که بدرجه نهائی از بیان واقعی روحیه اتحاد جماهیر شوروی رسیده بود تحت الشاع قرار داد.

پروژه ما دارای تفاوتی است که ممکن بود در نخستین مرحله ترکیب، بی اساس جلوه کند. اما حقایق از چیز دیگری حکایت میکند: طی چندین ماه در سال ۱۹۳۲ و روی تخته رسم کارگاه ما بتدربیح اجزای دقیق (اما کن مختلف کاخ) ظاهر گردید. این اجزاء: انطباق کامل با اشتراعی داشت که طبق آن کارها از داخل به بیرون انجام گرفته و سرانجام به صافی بیرونی تخته مرغ بیرسد، درحالیکه تمام جزئیات داخلی بر حسب صرفه‌جویی و هماهنگی و حسن انجام امور ترتیب یافته است: سالان ۱۴۰۰ نفری دارای تأسیسات صوتی مطلق می‌باشد و تا آن ۵۰۰ نفری و کتابخانه و سالنهای متعدد کنفرانس و کمیسیونها.... و بالآخره محوطه تجمع در فضای باز بگنجایش ۵۰۰۰ نفر در شرایط کامل عبور و مرور و توافقگاه و شنوایی است.



Les Oeuvres -clés

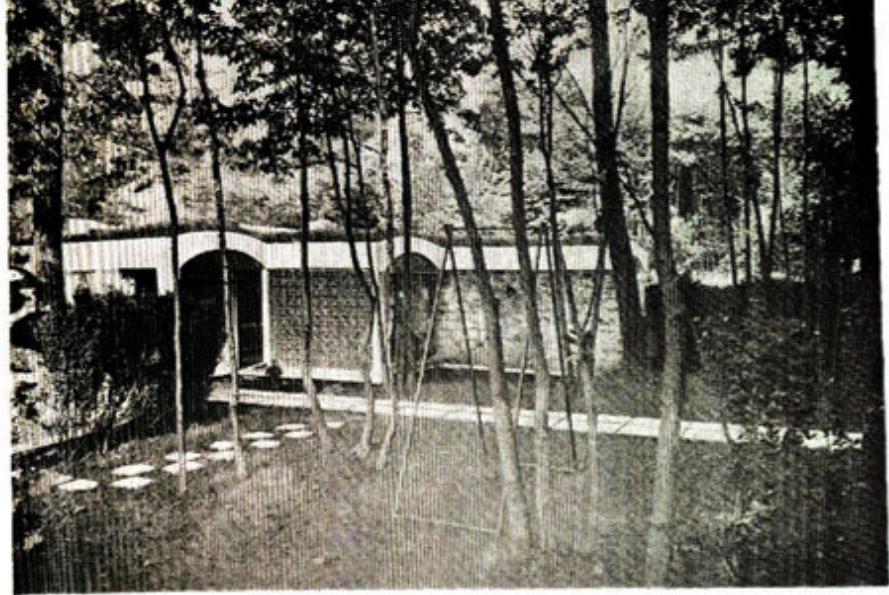


بعد از خوابگاه سویس، کاخ شوراها  
دومین ساختمان سهیل معماری معاصر  
میباشد.

### 3. Le Palais des

1931 (L. C. 44 ans)





آثار مهیم

## ۴ - خانه «ویک اند» (آخر هفته) سال ۱۹۳۵

(لوکورز بوزیله در سن ۴۸ سالگی)

### Les œuvres-clés

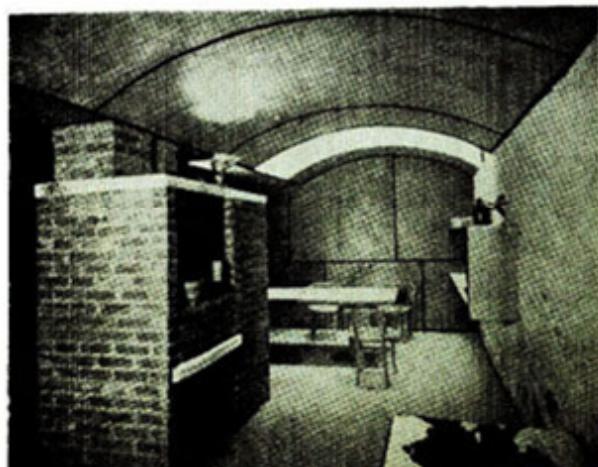
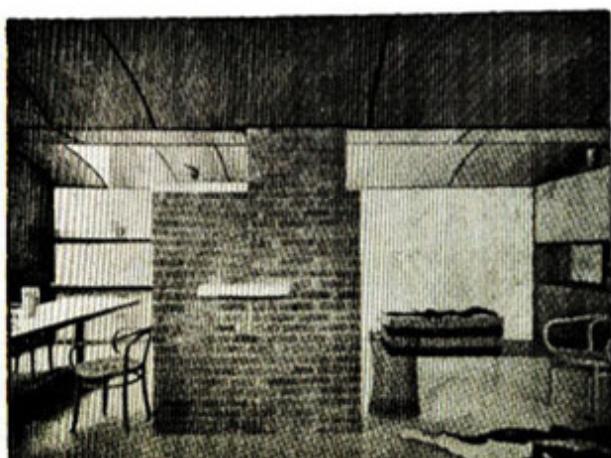
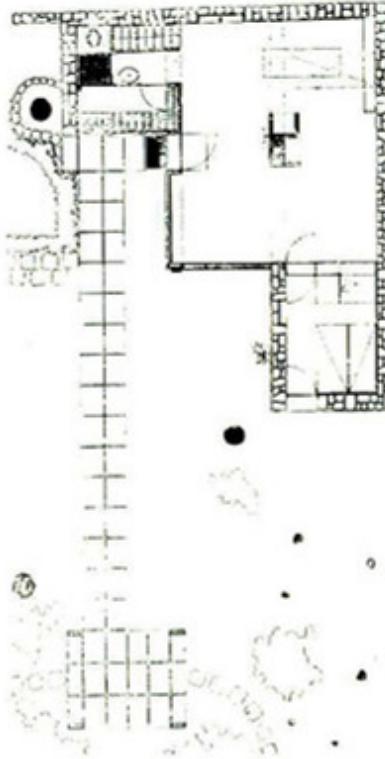
## 4. La maison de week-end

همیشه چنان دقیق باقی نمیماند. هر بار که برای نوکور بوزیله مسئله گسترش معماری در محیطی طبیعی مطرح میشود، همین فرمول را مورد استفاده قرار میدهد. این فرمول بعداز بیست سال مورد توجه معماران جوان قرار گرفته است. خانه «آخر هفته» از این لحاظ در زمرة آثار مهم معماری معاصر قرار میگیرد.

اصول ساختمانی این خانه کوچک که در پشت پرده‌ای از درخت قرار دارد آن بود که کمتر جلب نظر کند. درنتیجه: ارتفاع کمتر از ۲/۶۰ متر - بی‌دیزی در گوش زمین. سقف چمن کاری شده با طاقهای خمیده. انتخاب مصالح کاملاً معمولی: کارهای بنائی با سنگ آسیاب. پس: دیوارها از سنگ آسیاب. سقف طاقدار با سیمان مسلح پوشیده از گل و چمن. سقف داخلی دوجداری دیوارهای داخلی سفید کاری شده. فرش زمین با کاشیهای سفید. دودکش با آجرهای معمولی.

پیاده کردن طرحهای چنین خانه‌ای مستلزم دقت زیاد میباشد زیرا عناصر ساختمانی تنها امکانات معماری محسوب میشود.

اگر ویلای «هورکلر» پایان دوره پوریست میباشد، خانه «آخر هفته» فرمول جدیدی را برای سکونت انفرادی در محیطی طبیعی ارائه میدهد. شاید بتوان این فرمول را کوششی در همزیستی باطیعت دانست اگرچه طرح حجمها



آثار مهم

## ۵- آسمان‌خراش الجزیره ۱۹۳۸-۱۹۳۹

(لوکو روژیه درسن ۵۱ سالگی)

در سال ۱۹۳۸ در حالیکه آسمان‌خراش بسبک «کارتنین» مراحل نهائی خود را می‌گذراند و با داشتن حالتی شفاف و صاف و غیرعادی شبیه به «شیشه» و در زمرة آثار پوریست درمی‌آید، آسمان‌خراش شیشه‌ای Verre که برای الجزیره مطالعه شده است بعد از هشت سال تجسس بهظور میرسد: رگه‌دار و قطور و مدوله، از زیبائی آن بتون مسلح با مقایس متناسب ظاهر می‌گردد. این مطالعه برروی واحدهای مسکونی عکس العمل می‌گذارد و فرم نهائی خود را در ساختمان دیسر کل شهر شاندیگار آشکار می‌سازد.

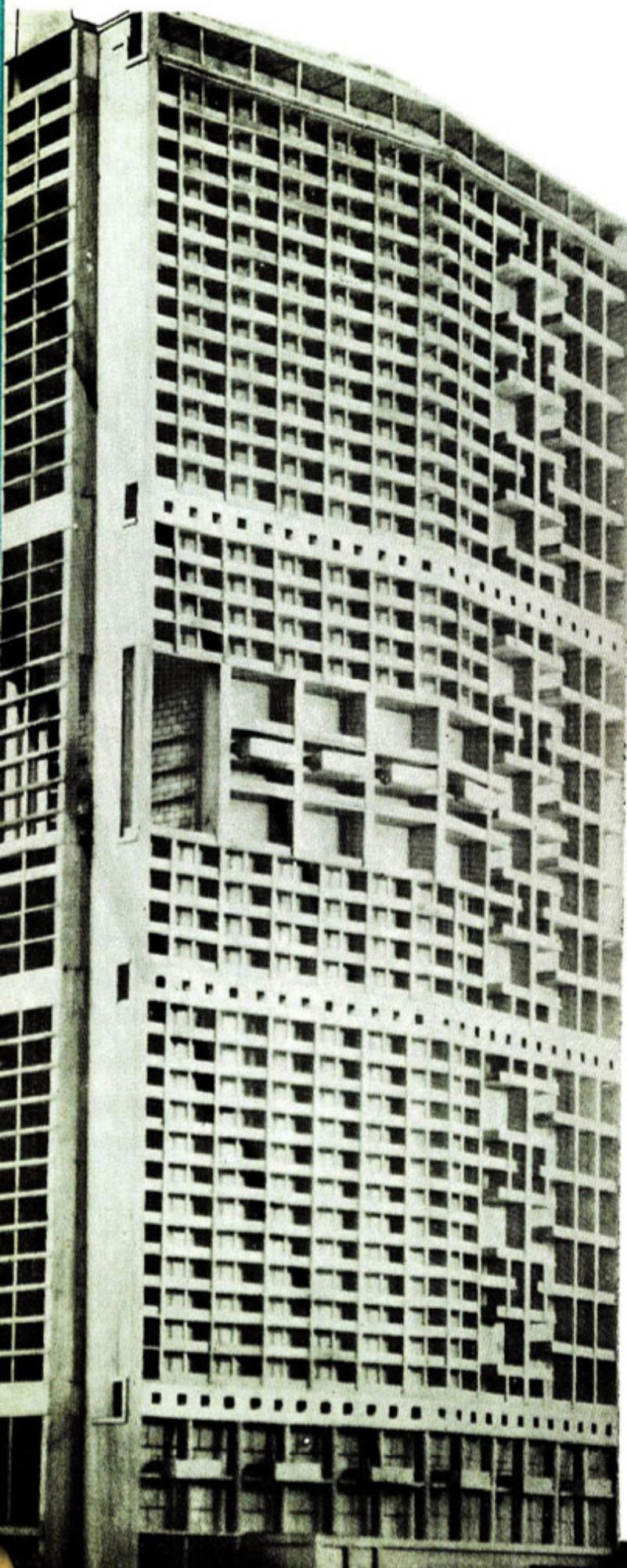
«آسمان‌خراش همانطوریکه در آمریکا رواج دارد دیگر یک فرم تصادفی بشار نمیرود بلکه یک بیو لوژی واقعی است که محنتی عضوهای مشخص می‌باشد.

یک اسکلت بندی مستقل، یک دامنه‌شیشه‌ای، یک سایه‌بان بمنظور خنثی کردن اثرات آفتاب در ساعت‌گرم و منعکس ساختن نور آفتاب در روزهای زمستان. یک برج ترافیک عمودی کامل، یک سیستم عبور و مرور عابرین و اتومبیل در پائین آسمان‌خراش. پارکینگ اتومبیلها. قسمتی از طبقات این ساختمان، در ارتفاع، مختص با یگانی می‌باشد.

یکمورد بخصوص: ایجاد یک هتل و یک رستوران در طبقه فوقانی آسمان‌خراش است. سایه بند بصورت عناصری به بزرگی یک مهتابی ترتیب یافته است و این عناصری است که اخیراً وارد معماری مدرن گردیده است. بیان منظم آن روی دو پنجم نهادها ظاهر می‌گردد.

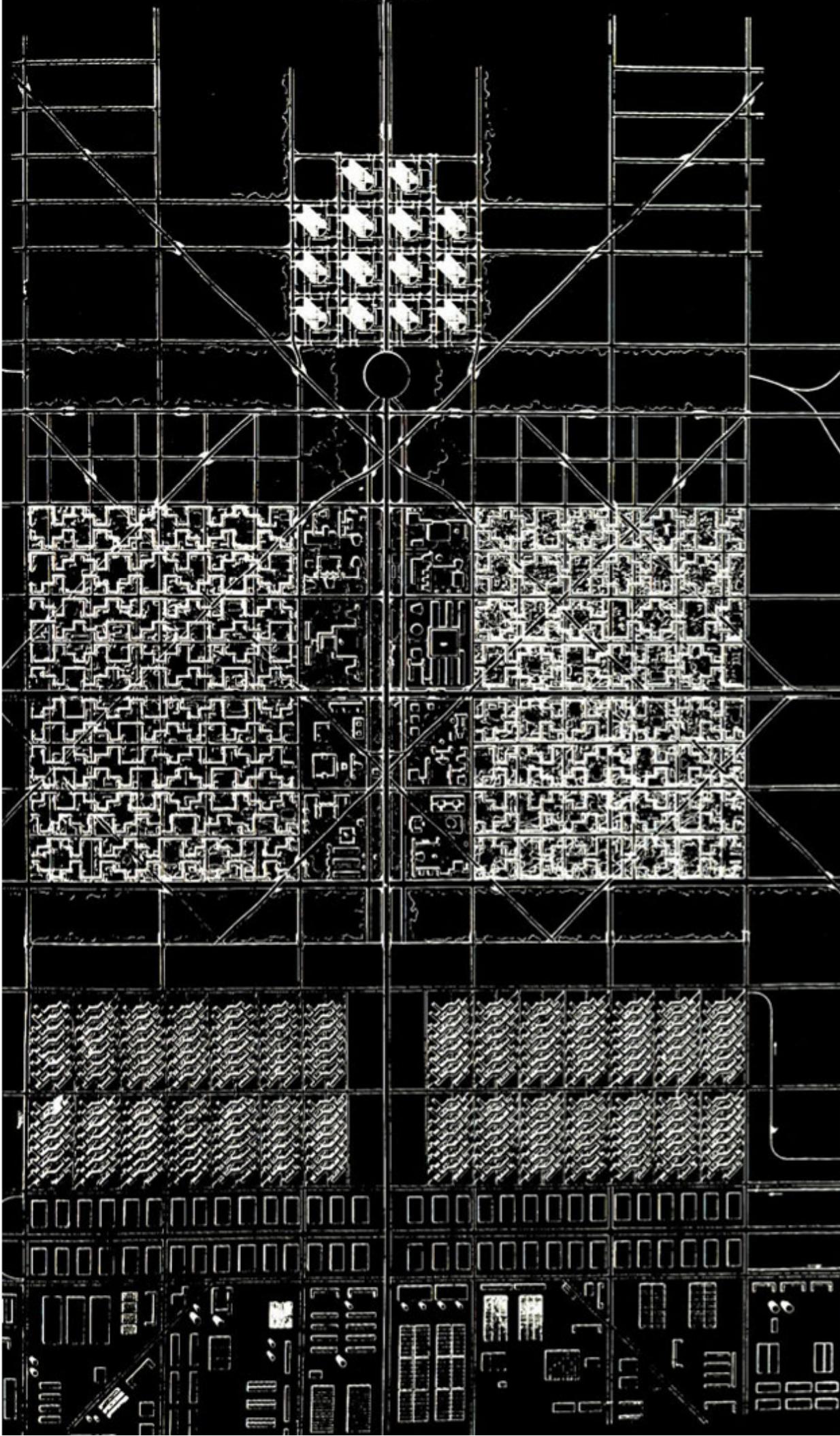
### Les œuvres-clés

## 5. Le gratte-ciel d'Alger 1938-39 (L. C. 51 ans)



# LA VILLE RADIEUSE

(ZONING)



در شماره‌های آینده:

شهر سازی لوکوربوزیر

نقشه منطقه‌بندی  
«Radieuse شهر»

## سرمقاله درباره هفت مقاله

همه این بالاخره به آنها رسیدند که بدانند اهمیت کارشان پیش از يك نمای زیبای ساختمان و یا يك شویی خوش قدم است ما به آنها رسیده ایم که حس کنیم نقش ما بزرگتر از آن است که تنها به طرح و ساختن بنایهای پادگاری جدا جدا اکتفا کنیم. باید حرفة خود را در يك نمایه و سینمایی ببینیم.

در چهارگوش جهان مهندسان دریافتند که بخطاطر تعلیم و تربیت و تحریر آنها و به خاطر آنها که آموخته و فهمیده اند مشغولیت بزرگی برای حل مسائل مهمی دارند که امروز برای من در جهان پیش آمده است.

● در این شماره مجله ما راجع به هفت موضوع مهم که حس می کنیم حر فمان با آنها رابطه و مستکن دارد بحث من کنیم. اگر نویسندهای این مقالات بنظر اتفاقاً می آید به خاطر آن است که مسائل و مباحث روز از این لحاظ بوجود آمیزد که ما از وضع کنون آنها راضی نیستیم و تنها با بحث کردن ممکن است راه حلی برای این مسائل پیدا کنیم.

● امروزه طوفان بزرگی از بحث و انتقاد در بین مهندسان وجود دارد که آیا غریزدگی یا این ازدگی در طرحهای ما باید دریبد شود. کدام راه را ما باید انتخاب کنیم که شاید بهتر باشد اول ما شرح بدهیم، تا افلا برای خودمان روشن بشود که طرحهای ایرانی که با زندگی ایرانی و حق پنهان کدامها هستند و با اصل نوع زندگی ایرانی چه مجموع میباشد تا افلا باداشتن موضوع بتوانیم درک کنیم که مسئله طرحهای ایرانی یا غربی چیست.

● آیا مردم حقیقتاً میدانند که ما مهندسان چه کسانی هستیم و چه کارهایی میکنیم؟ ما که فکر میکنیم اینطور نیست. شاید امروز موقع آن رسیده باشد که مهندسان خود را به مردم و اجتماع بشناساند و بس ای اینکار اولین قدم آن است که مردم و یا حداقل کارفرمایان به قایده مهندسان بینند.

● ما مهندسان همچنین مسئول نگاهداری محظوظ نیست انسان هستیم که از گذشته و فرهنگ تردد نداشت. شاید بیش از هر کس دیگر مهندسان که سازنده این بنایها و شهرها هستند میتوانند ارزش آنها را درک کنند، میتوانند حس کنند که چطور این بنایها و فضایها قادرند احسان ادامه تاریخ و تمدن را گذشته را درم را زنده کنند، بنابر این باید سعی کنیم که این میراث خود را تاحد ممکن از نابود شدن حفظ کرده و آنرا جزء با ارزشی از زندگی مدرن خودمان بنگار بیزیم.

● امروزه موضوع های محیط زیست و آلودگی مسئله بزرگی را در همه جهان بوجود آورده است که مهندسان ایران فرمیتوانند خود را از آن کنار بگذارند. ما که تحصیل و تحریر بمنان فرمیدن و ساختن محیطهای زیست انسانی است نمیتوانیم از مسئولیت خود چشم پوشیده و کنار بنشیم و تمایل کنیم که چطور اقتصادهایان، کارخانه‌هایان و دیگر انکیفیت زندگی شهربی را را نابود کنند بهاس اینکه کشورمان درآمد ناخالص سالانه اش در دنیا و یا در خاورمیانه اول است.

● مسکن، موضوع بزرگ روز که امسال یعنی سال ۱۳۵۱ میان در ایران است و سال ۱۳۵۲ سال مسکن در وقت بین المللی توسط سازمان ملل متحد اعلام شده است، کشور ما در ده سال آینده احتیاج به دو میلیون مسکن خواهد داشت، آیا ما مهندسان طرح ساختن تمامی این مسکنها را به دولت واکثار کرده و خودمان را با ساختن ویلایهای تک تک مشغول خواهیم کرد آیا ما حقیقتاً نمیتوانیم در بوجود آوردن مساکن از اتفاقیت افراد بزرگی داشته باشیم؟ ما که فکر میکنیم بدن شک میتوانیم.

● یکی دیگر از موضوع های مهم روز ما موضوع ساختن ساختمان است. هر فندر طرح و نقشه ساختمانهای مازیبا باشد اگر ساختن این بنایها درست انجام نکرید تمام کوششها و زحمات ما به خدمت نمیروند. ساختن بنایهای ما باید مطبق بر نامه باشد و نقشه های ما می بایست کاملاً مقایسه شده باشد، مهندسان محاسب و مشارور و پیمانکاران باید همکن مثل يك تیم با همکاری کنند نه بر علیه هم دیگر، ما باید مقدار قوانین کامل ساختمانی که جان و مال مردم را حمایت کنند احتیاج داریم و همچنین دوکن بیش از مهندسان نمیتوانند در بوجود آوردن این قوانین کمک کنند.

● در این شماره مجله ما سعی میکنیم که بررسی این مطالب مهم روز بطور کلی بحث کنیم و امیدواریم که بتوانیم در شماره های آینده هر کدام از این مطالب را بطور عمیق تری بسیاری تعاملیم.

● ما موضوع ها و مباحث روز را پیش میکنیم، درباره آنها بحث میکنیم و دعوت میکنیم که مقایسه و افکار خود را درباره این نکات به میان بیاورید و پیشنهادات خود را در میان بگذارند ولی در هر صورت این مسئولیت تک تک مهندسان است که میبایست بررسی این مسائل مهم فکر کنند و بطور افرادی یا جماعتی بر روزی آنها فعالیت کنندتا بتوانیم حر فمان را به يك استاندارد با ارزش و قبول شده ای برسانیم.